

انشاء الله تعالی سایر شاهزادگان معظم و امراء فخام را هم در قیام بواسطه بوفایف دلسوزی و صدق دولت خواهی واقفان از وضع احوال سابق و تشبیه این اسامی قویه که نتایج هر دو با آمار مشهور است تا باید فرموده نعت اتحاد و اتفاق کلمه را کاملاً عنایت و کسانیکه با اسم دینداری یا دولت خواهی در موجبات اضطرار دین و دولت و دست دادن مملکت هست که داشته این عهد فرخنده را با این شدت هرج و مرج و تلف نفوس و اموال و افراط و افراط نمودند از خیالات فاسد منصرف و آویس خواهند فرمود انشاء الله تعالی در خصوص مسدوم شاهد بری مالایراه القاب .

(فصل مرحوم حاج میرزا خلیل)

(الاحقر محمد کاظم الغرسانی)

(الاحقر عبدالله المازندرانی)

مسکی اظهار تشکر و امتنان از بذل توجهات حضرت حاج اسلام نمودند

(تکرانی از رشت به توسط آقای آقا سید عبدالله مجتهد قرائت شده که مشتمل بود بر قتل صدیق الرعايا و عدم مجازات قاتلین و امنیت آنجا .

وکیل التجار - واقفا این اول واقعه است که در گیلان اتفاق افتاده و ما همیشه متشکر بودیم که گیلان از سایر ولایات امن تر است و حالاً متأسفانه این اتفاق سوء واقع و این شخص مقتول یک نفر از ملاکین محترم آنجا و نایب الحکومه مدیر الملک بود و چند نفر را هم بسبب اتهام دستگیر کردند و بعضی ها نیندادم بچه جهه خواسته اند آنها را از حبس خلاص نمایند .

آقا سید عبدالله مجتهد - از این تکرار معلوم میشود که کسی توسط کرده است

وکیل التجار - از اینجاست که بعضی ها در آنجا خواسته اند که آنها را خلاص نمایند این است که این تکرار شده تا آنکه شود که آنها حبس باشند تا حکومت برود .

وکیل الرعايا - بنده دو کلمه متعلق بر ایورت کمیسیون عدلیه عرض دارم چون اجزه آن کمیسیون دوازده نفرند و هشت نفر آنها که وزارت از دولت باشد وقتی که حضور بهم رسانیدند مشغول مذاکرات می شوند جناب آقای حاجی امام جمعه مدنیست که بواسطه یاره از موافق و مشاغل حاضر نشده اند و جناب آقا سید علی قلی هم همه روزه تشریف نمی آورند و این لایحه را کمیسیون عدلیه در حالتی که تمام الارکان بوده نوشته است و مطالب آنهم بعینه بنده میباید ندارد فقط یکی دو مطلب آخرش اگر لازم باشد کرامت مذاکره شود و بگذرد .

آقا شیخ ویسف - معلوم می شود که امروز مجلس موضوع مذاکره معینی ندارد فقط راپورت کمیسیون هاست و کمیسیون وزارت داخله مدتی بود که رسیدگی بکارهای انجمن بلدی می نمود و یک صورتی بکارهای انجمن بلدی داده در کمیسیون تصویب

شد و باید در مجلس قرائت شود اگر صلاح بداند قرائت شود .

رئیس - بلی آن صورت در اینجا حاضر است مذاکره میشود .

وکیل التجار - ایا کمیسیون عدلیه رئیس و نایب رئیس دارد یا نه هرگاه دارد بدون حضور آنها نمی توانند چیزی را تصویب کنند .

آقا سید حسین - این لایحه بنظر آقا سید علی قلی رسیده و هرگاه مسوده آن ملاحظه شود بعضی از جاهای آنهم خط خود ایشانست چون اهمیت دارد خوبست دوباره قرائت شود .

آقا سید علی قلی - من در این حرفی ندارم وقتیکه دولت از اعضاء کمیسیون حاضر شده مشغول کار می شوند و بنده هم هر روزه در کمیسیون حاضر بودم و در این لایحه هم ایرادی ندارم چون عمل سالار معتمد اهمیت دارد در مراجع بغداد ملت است اینست که کتم خوبست و اگر گذار بشود بخود مجلس که تادرس مجلس مذاکره شده با تمام برسد .

آقا میرزا محمود - بنده عرض میکنم که در یکی از مواد نظامنامه داخلی نوشته شده است که کمیسیون حکم اعضاء مجلس را دارد تا رئیس یا نایب رئیس حاضر نباشد مذاکرات آن رسمیت ندارد و نیز این مطلب هم قرار داده شد که متشی کمیسیون باید از خود و لا باشد و متشی خارج نباشد تا این طور اسباب اشکل فراهم نشود که گفته شد خط متشی کمیسیون است و بعضی از اعضاء تصدیق ندارند این مطلب بکمیسیون عدلیه بر می خورد .

رئیس - پس این مسئله همانند دوباره رجوع بکمیسیون شود تا اینکه درست ملاحظاتی خودشان را بنمایند و در کلام هم آراء خود را در اینجا تصدیق کرده در مجلس دیگر مذاکره نمایند .

آقا سید مهدی - اداره بلدی بهجه عایدات شهری اکثر اوقات بکمیسیون داخله رجوع کرده و استجازه می نماید که بعضی مهله و عوارضات شهری بآنها واگذار شود بهجه مصارف بلدی بعضی از آنها هم تصویب و اجازه داده شده است و حالاً محل هائیکه در این ورقه شرح داده اند میخواهند اعضاء کمیسیون هم بملاحظه تعمیر خیابانهای شهری تصویب نمایند و حال بمجلس اظهار داشته اند تا برای مجلس مقدس چه اقتضا فرماید لایحه که در این خصوص نوشته بودند قرائت شد که از درشکه و کالسکه و دوچرخه و چهارچرخه از کرایه و غیره در ماهی یک میزان معینی دریافت دارند برای تعمیرات خیابانها

بعضی گفتگوهاست بعضی می گویند که بلدی پول گرفته و در مقابل خرج نکرده و بعضی میگویند که چرا بلدی باری دهشاه از ذغال میگیرد و آن چیز هائیکه در آنجا نوشته شده .

مثلاً در باب چرخ بستنی که ماهی دهشاهی بگیرند بنده عرض میکنم که اصلاً لازم نیست که بستنی باشد تا آنکه از چرخ آن دهشاهی بگیرند و نیز در قانون بلدی نوشته شده است که هر چه بلدی باید بگیرد اول باید بمجلس اظهار شود اگر مجلس تصویب کرد و قانونی شد گرفته شود .

آقا میرزا محمود اصفهالی - در این لایحه بی امتدالی شده برای اینکه چهارچرخه و دوچرخه هر دو را تقریباً یک میزان نوشته اند و حال آنکه

آنها با هم فرق دارند و دیگر اینکه يك نفر چند دوچرخه دارد یا کسی چند درشکه و کالسکه دارد ولی یکی یادو تای آنها در کار است آیا از آنها هم باید مالیات گرفت یا نه

آقا سید مهدی - کرازا در اینجا مذاکره شد که برای تنظیم و تعمیر خیابانها و کوچه های شهر لازم است يك پولی گرفته شود و اینکه میگویند دوچرخه و چهارچرخه با هم تفاوت دارند اینها با هم تفاوتی ندارند و دیگر اینکه مالیات نه از روی عدد دوچرخه یا چهارچرخه است بلکه از روی عدد اسب است که چند اسب بسته شده و در کار است

حسنعلی خان - این ترتیبی که بلدی نوشته است خیلی خوبست و باید بالاخره هم این کار بشود ولی باز در اینجا مجدداً محض تذکر عرض می نماید که این لایحه از آن لواجی است که اولاً باید رای گرفته شود که آیا مجلس تصویب می نماید یا در می کند بعد از آن برود بکمیسیون و بعد از کمیسیون برگردد بمجلس .

رئیس - این لایحه در کمیسیون داخله گذشته است و کمیسیون هم تصویب کرده که در مجلس قرائت شود این بود که قرائت شد ولی حالاً چون وقت گذشته است همان برای مجلس دیگر يك لایحه هم از انجمنهاست که آنهم می ماند برای روز پنجشنبه .

مجلس ختم شد

مذاکرات روز پنجشنبه ۲۴ شهریور مجرم الحرام دارالشورای ملی

رئیس - دستخطی است از طرف اعلیحضرت همایونی که وزیر اعظم آورده اند قرائت می شود (قرائت شد)

سواد ستخط همایونی

رئیس مجلس شورای ملی چون میل دارم مراتب خوشوقتی و رضای خاطر خور را از زحمات و مجاهدات و کلا اظهار دارم این است که بشما متینوسم که عواطف و مراحم ما را بکلا اظهار دارید بدانند قدر مراقبت و زحمات آنها در حضور همایون ماستور نیست نهایت خوشوقتی از خدمات صادقانه و حسن ملت و دولت خواهی آنها داریم قانون انطباعات را که امروز ملاحظه و امضا فرمودیم دلالت میکند بر اینکه در این ایام محرم نیز از وظایف خود کوتاهی نداشته اند انشاء الله همین که عسارت جدید پسران دان تمام شد خود مان هستیم برای افتتاح آن حاضر شده مسرت و رضای خاطر خودمان را بحضور اظهار خواهیم کرد و از خداوند مسئلت می داریم که ما و مجلس مقدس را در تمهید موجبات آسایش عامه امالی مملکت و تمام رعايا و ملت مؤید فرماید .

آقا حاج امام جمعه - تمام و کلا از این اظهار عنایات همایونی ملوکانه صوماً اظهار تشکر مینماید .

رئیس - بدیهی است که تمام و کلا متناهی درجه تشکرها دارند و البته تشکران اعلیحضرت هم انشاء الله پس از اتمام آن عمارت که چند روز دیگر بیش طول نخواهد کشید تشریف فرما خواهند گردید و در حقیقه

افتتاح جدیدی خواهد بود برای پارلمان قرار شد هر یقه از طرف مجلس عرض شده و با هیئت از و کلا شرفیاب حضور همایونی گشته حضور هم مراسم شکر گذار را بجا آورند .

موقوف الممالک - در باب بشیوه و بازار وکیل و کمال آباد و غیره امداد مخصوص بازار وکیل توضیحاتی که جناب آقا سید جعفر دادند صحیح است اما بشیوه بدو آ متنازع قیما بین وکیل الدوله کرمانشاهی و احتشام الممالک بوده و اقبال الدوله آنجا را با هم خود خریده و بدولت تقدیم کرد و خالصت دولتی گردید امداد باب کمال آباد اقبال الدوله رسیدگی کرده و ثبت داده و از وی همان ثبت و اگذار بکمیسانی خالصت شد امداد باب مالیات دولت آباد چندین سال آنجا را خودم ببلوغ و مقصداری نقد و جنس متناهی اجازه میدادم و این مالیات هم که قبلاً منظور شده فقط جنسی است ایداً اسم از نقدی برده نشده مهاد میل دارند میزبی شده از روی آن مالیات منظور شود و آنقدر از شهر دور نیست که رفتن منیر طول بکشد پشت دروازه است

سیدالحکما - در باب دولت آباد همانطوری که آقای مؤتمن الممالک فرمودند فقط مالیات جنسی منظور شده و ایداً از نقدی اسم برده نشده و علاوه از آن زمان تا حال مالیاتی بر آب و اراضی و باغات و آبادی آنجا افزوده شده و بلکه دو مسوازی گشته است در این صورت دیگر مجمل تأمل نیست

آقا میرزا فضلعلی آقا - این چیزها که در این کافه نوشته است باید تجزیه شده آنوقت مطرح گردد چند فقره است بازار وکیل است و کمال آباد و غیره اول فقره بازار وکیل در این باب اگر صحبت بشود باید در دیوانخانه عدلیه مطرح مذاکره شود

اما کمال آباد شاه آنجا را در عرض این ملک یعنی بازار وکیل بشاهزاده داده است پس بدین موجب اینجا ملک شاه بوده اول خوب است در این باب صحبت بشود به از ختم در خصوص مالیات و غیره صحبت شود

حاج معین التجار - اما در باب بشیوه خود رئیس بهتر متذکر میباشند که بدست وکیل الدوله افتاد و دولت نمیخواست بواسطه سرحد بودن در دست غیر باشد پولی دادند و گرفتند حال اگر این پول شخصی سلطنت بوده که ملکی است و اگر از پول دولت بوده آنهم مثل سایر خالصه جات است و بجهت شاهزاده نمیشود حکم دیگری معین کرد اما از بابت مالیات دولت آباد که میگویند زیاد منظور شده است گمان نمیکنم که زیاد منظور شده باشد

وکیل التجار - این دومجل که بعوض بازار وکیل بشاهزاده داده شده است چون اصل موضوع باطل و غیر صحیح بود همین نحو عوض آنهم غیر صحیح است چیزی که هست و می توانیم بگوئیم این است که این دو محل بعنوان خالصه در دست شاهزاده باشد تا چند سالی و مالیات آن را تقدراً و جنساً بدوات بپردازند که ضمناً فایده برده باشند و هم اینکه آنجا را آباد نمایند اما این پولی که می گویند بشاه داده است در این خصوص اولاً آن پول هم از ملت بوده است و دیگر اینکه شاه از خودش که مالی نداشت هر چه بود مال ملت بود و هر چه را که در زمان سلطنت یکسری داده است

مال مملکت هرگاه به از حیات شاه چیزی خریده باشند مال خودشان است پس این دو محل مال ملت است و باید رد شود

وکیل الرعايا - متدیه بنده این است که شخص سلطنت خزینه دار ملت و حافظ ملت بوده است باید از آقای شامع السلطنه پرسید که شما چقدر پول دادید و اینکه گفته اند در دست شاهزاده باشد ملک آباد میشود اگر ما در این راه باشیم باید کلیتاً ملک را بدست زارعین بدهیم و بآنها بفروشیم که آباد شود و فواید او آن طوریکه منظور است و خداوند در خاک و دیمت نهاده عاید ملت گردد و چون حضرت والا از خانواده سلطنتی هستند نمی شود آن انتفاع را برد کلیتاً باید از حضرت والا پرسید که پول آن از کجا آمده و چه قدر داده اند

آقا سید حسن تقی زاده - مسئله کمال آباد و غیره از یازده ماه قبل در این مجلس صحبت می شد که می گفتند حالا مشروطه شده چرا آنها را می بخشند و قبل از تمام شدن قانون اساسی هم در این بابت گفتگو می شد و هر وقت این صحبت می شد جواب می دادند وقتی که بودجه مملکت میخواهد از مجلس بگذرد آنوقت تمام آنها جرح و تعدیل وزده خواهد شد این است که آنها در کمیسیون مالی زده شده وقتی که بودجه مملکت از مجلس گذشت دیگر تغییر ناپذیر است و در این موارد اگر کسی حرفی دارد باید بوزیر مالی اظهار داشته و بدلائل صحیحه مطلب خود را ثابت نماید و علاوه این در عرض بازار وکیل و غیره دانسته است چنانچه گفته شد در خود بازار وکیل حرف بده یعنی آن معامله صحیح نبوده پس در حقیقت این کمال آباد و بشیوه بلاعرض داده شده است حال می گویند حضرت والا بدولت پول داده است در عرض معادل دولت هزار تومان از بابت مالیات فارس باقی بماند ایشان مانده و نود هزار تومان هم هر گاه از این مبلغ موضوع شود باز یکصد و ده هزار تومان یعنی ایشان خواهد بود و از بابت بازار وکیل و غیره هم منظور که گفته شد باید عدلیه گفتگو نمایند .

مخبر الملک - در موضوع بشیوه دولت با منتف ضبط کرده بود با با بول خریداری نموده بود فرق نمیکند در حال حکم خالصه را در داد باید معامله خالصه در باره آنجا شده و برگردد و همچنین کمال آباد

آقا میرزا مرتضی قلیخان - امداد در باب خالصه جایکه در زمان مشروطیت فرمان صادر شد و بدون تصویب مجلس بوده است همانطوریکه آقای تقی زاده تقریر نمودند تا ما در کمیسیون مالی رد کردیم و اینکه فرمودند بودجه مالی قابل تغییر و تبدیل نیست این فقره خللی به ارکان بودجه وارد نمی آورد ملک در دست هر کس باشد عایدات او بدست خواهد رسید حال اگر به حضرت والا هم اگذار شود و عایدات آنرا بقدریکه معین شده است برسانند گویا ضرری نداشته باشد .

آقا حاج سید محمد - بشیوه نزد آقا سید حسین خازن الممالک بیع شرط بود و بدین آن که بیع آن لزوم یافت موجب قیام علیحدت از وکیل الدوله خرید و پول آنهم از پول خزانه بود در این باب حرفی داشته باشد باید برگردد و همچنین کمال آباد و غیره .

حاج محمد اسمعیل آقا - آنچه لازم بود در این باب گفته شد دیگر لازم نیست در جزئیات

گفتگو شود و اصل موضوع این که بازار وکیل است صحیح نباشد البته آنها هم صحیح نخواهد بود رئیس - حالا باید بکمیسیون رجوع شود یا بوزارت عدلیه .

آقا حاج امام جمعه - خیلی تأسف بخورم که در این خصوص درست دقت نظر نمی شود و حال آنکه اگر بین دونفر هم گفتگو باشد باید بدقت رسیدگی کرد اما در این باب که عموم ملت در واقع طرف هستند و چهار مسئله بزرگ است که باید رسیدگی شود امداد مسئله بازار یا مال دولت است یا مال وارث اگر مال وارث بوده خریده و دیگران غصب کرده اند که با وارث طرف است و بطی بمجلس ندارد اگر ثابت کرد باید بگیرد و اگر مال دولت بوده دولت با و داده و حالا دیگران غصب کرده اند و امروز صلاح نیست از آنها گرفته شود او مستحق پولی است که داده اما در باب مالیات دولت آباد که می گفتند مقصد خروار است و در کمیسیون مالی سید و بخواهد خروار ملاحظه شده دیگر جای گفتگو نیست .

آقا سید محمد جعفر - اینکه حاجی امام جمعه فرمودند بازار وکیل دوشق دارد ممکن است يك شق ثالثی هم برای او فرض کرد و من عرض می کنم که این بازار از زمان وکیل در دست تجار بوده و بعضی بطن بورات رسیده و تصرف بوده اند و بعضی را هم بخشیده اند و علاوه از حامای آنجا تحقیق کرده ام اکثر آنجا از علماء خریده اند و تصرف صد و بیست ساله آنها معلوم است دیگر از تصرف کسی سند نمیخواهد حالا حضرت والا را معرک شدند نود هزار تومان دولت داده آنجا و بعضی جاهای دیگر را از بلوکات فارس گرفته که شاید همه ما هم صحبت آنها بشود این دلیل بر ملکیت ایشان نمیشود .

آقا حاج امام جمعه - گویا بشاد درست عرض بنده را ملتفت نشدید و این اطلاع شما صحیح است که در دست وارث وکیل نبوده من جواب حضرت والا را دادم که نوشته است خالصه بوده زیرا که آنجا با مال وارث بوده یا مال دیوان حالا که آن معامله هم خورده دیگر محل حرف نیست .

آقا میرزا محمود - این که آقا میرزا مرتضی قلیخان گفتند که چون حضرت والا بملت همراهی کرده اند باید بمجلس ملاحظه در باره ایشان نمایم ما کمال تشکر را از همراهی ایشان داریم از بابت وطن پرستی و ملت خواهی بوده و حق ایشان است که همیشه همراهی بنمایند اما در باب کمال آباد چون او را در زمان مشروطیت از دولت برخلاف قانون مشروطیت گرفته اند ما نمی توانیم يك کرور ملک را بایشان بی جهت واگذار کنیم و اگر می خواهیم همان اجازه بدی که معین شده بعنوان خالصه قبول دارند فيها والا یتوان دیگری نمیتوانند دخل و تصرف کنند .

احسن الدوله - در کلامه خالصه جات خوبست که نظارتی در مالیات آن بشود نقل و انتقال خالصه سبب خرابی املاک است این عمارات و خالصات دیوانی فقط بواسطه نقل و انتقال است که همه خراب شده پس باید ملاحظه در مالیات خالصه جات بنمایم مثلاً از املاک خالصه دوشتر بگیریم و از املاک رهمیتی یک دوشتر و خالصه را هم نقل و انتقال بدهیم تا در صد آبادی بر آید .

آقا میرزا آقا مجاهد - گوارد مرخصون هائیکه در لایحه تکرار کرده اند در دست ملت نشده ایم آنجا در موضوع مذاکره شده یکی اینکه این ملک توقیف بوده آیا در توقیف است و معلوم میشود در توقیف دولت است و شاهزاده میگویند من سند دارم و شاهزاده هم یکی از افراد ملت است و نباید حق او باطل شود و حالا هم این مملکت حکومت عادلانه دارد در این صورت توقیف بودن آنجا در ندارد اما اینکه حضرت والا حقانیت خود را ثابت نکرده اند باید در تصرف دولت باشد و یکی در باب مالیات دولت آباد نوشته است که مالیات زیاد منظور شده این اشکالی ندارد اگر زیاد است و اگر کم است بدولت نمایند خود دولت بهین اندازه میگیرد.

وکیل الرعایا - محصول دولت آباد فقط منحصر بقله نیست چیزهای دیگر هم دارد باید رسیدگی کرد و علاوه هیچ ملکی را نباید از تصرف مالکش خارج کرد گفتگو در اینست که چرا از تصرف مالک خارج است.

آقا سید حسین - در باب خالصه گفته شد که آنها بیکه خالصه برده و یک تومان و یک خروار مالیات میدادند که تمام بر گردد نه اینکه تنها مقصود شماع السلطنه باشد و اگر باید بدست دولت باشد باید تمام بر گردد و آن اشخاص که بیک تومان و یک خروار برده اند در برگشتن اولی تر است از املاکی که در دست بعضی بوده و آباد کرده اند.

آقا میرزا سید علی نقی - بنده هیچ بنظم مایه آتوق جناب رئیس تشریف نداشتند در چندین مسأله قبل جناب مغیر السلطنه از طرف اعلیحضرت بمجلس آمدند و مجلس مختص بوقلا شد و در خصوص شاهزاده شماع السلطنه صحبت کرد و رای دادند حالا دیگران مسئله را بمجلس آمده.

حاج محمد تقی - آتوق جناب رای نداد بلکه رد نمود مغیر السلطنه از طرف شاه آمدند و گفتند که شاهزاده نود هزار تومان داد از باب بازاری وکیل و غیره حالا تکلیف چیست مجلس جواب داد که شاهزاده باقی فارسیا بدهند تا مجلس در این خصوص فزای بدهد.

آقا میرزا مرتضی قلیخان - مطالب را باید یکی یکی گفت تا رای مجلس معلوم شود اما در باب مالیات باید رسیدگی شود و وزیر مالیات رسید و هیچ با دیگران فرق نمیکند اما در باب بشو میگوید چون من وجهی دادم که بازار وکیل را بگیرم بازار را که ندادند عرض آن بول شاه بشو و کمال آباد را بمن داد حالا رای مجلس چیست مطالب دیگر اینکه دولت آباد را بصد و پنجاه خروار جنس که نصف مایه اوست و جمع بندی شده و در کسب مایه تصویب کرده اند که پدم میزی و رسیدگی شود زیاد است و تعیین میفرماید آیا مجلس قبول دارد یا خیر (گزاره در روز گذشته)

آقا میرزا محمود - بنده عرض میکنم کمال آباد بهر اسمی و رسمی باشد در دوره مشروطیت بدون تصویب داده شده آیا مجلس رای میدهد یا نه (اکثر گفتند خیر) و همچنین دولت آباد بدون پول و گذار شاه و هنوز هم اسم خالصگی در روی آن

است و این مالیات که برای آنجا منظور شده اگر میخواهند بدهند والا گذارند باید.

شهیدی باقر - ما باید طلب دولت را بگیریم و بدمی اورام بمسئله حال در این مسئله هم باید تحقیق کرد آنچه شاهزاده بدمی دارد بدهد و آنچه طلب دارد بگیرد.

آقا سید علی نقی - این نود هزار تومان که آقا میرزا مرتضی قلیخان گفتند در مجلس چند وقت قبل مذاکره شده و مجلس قبول نکرد حاج شیخ حسن یک قسمت از این لایحه را جمع بمسئله است دولتی است باید بر گردد و یک قسمت دیگر راجع ببلدیه است باید با آنجا رجوع شود ربطی بمجلس ندارد.

معاضد السلطنه - نتیجه مجلس را بگیرد که دیگر مذاکره نشود.

وکیل التجار - این دو محل که از باب بازاری وکیل عوض داده شده چون موضوع صحیح نبوده باید هر دو ملک در تصرف دولت باشد و اما در باب مالیات دولت آباد حضرت والا بملاحظه ملکیت میکنند این مالیات زیاد است و اگر بداند خالصه است نمیکویند حال اگر باینطور میل دارند که بسیار خوب والا و گذار نمایند.

رئیس - در هر صورت نتیجه مذاکرات باید معلوم شود گویا باینطور ختم میشود که بازار وکیل ربط بمجلس ندارد و اما در باب کمال آباد و بشو چون در عوض بازار وکیل بوده آنها صحیح نیست و اما در باب پول باید تحقیق شود چنانچه گفته شد بدمی و طلب ایشان معلوم شود.

آقا سید محمد جعفر - حرف آقا سید حسین صحیح است شماع السلطنه را هیچ چیز و انداخت مگر اینکه در خالصجات دولت را هر یک میبرند او هم بطمع افتاد چنانچه از این قبیل زیاد است اگر میخواهد این کار را درست کند باید عفویت داشته باشد و مخصوص بشماع السلطنه نباشد.

آقا میرزا مرتضی قلیخان - کمیسیون مایه همه آنها را ملاحظه کرده از خالصجات ولایات حالا دیگر خالصه صرف خالصه باشند نیست و مالیات هم ملاحظه شد.

حسام الاسلام - بنده سالان رشت را میمانم که شش تومان مالیات میگیرند و شش هزار تومان اجاره میدهند.

آقا سید حسن نقی زاده - بدو بوج نظام نامه داخلی هر مسئله را باید نوشت و بهیئت رقیبه داد ولی بنده مکرر این مسئله را امتحان نموده ام و نشده این است مطالبی که فوری است باید اظهار شود در باب مجازات آنها گفتگو شد معلوم می شود که هر مقصوری گرفته میشود بی نتیجه و هر چه هم گفته میشود بی نتیجه است اما من باب یادگار تاریخی باید بگویم که رحیم خان بکنگر مرد شوری است و تا بیاید چندین نفر را کشته و املاک مردم را تصرف کرده هیچ وقت جلو گیری نشد و در واقع یک بلای بود و از علماء و تجار و ملاک و غیره تیریز هیچیک نتوانستند از جلو گیری نمایند بالاخره گفتند تا یک هوش مالی نشود نمیشود از جلو گیری کرد و پس از اینکه خودش در اینجا حبس شد پسرش در تیریز قدری آرام گرفت و ریاست اول چلیانلورا هم اعلیحضرت بر شیدالدوله که سابقاً رئیس این ایل بود و بسیار آدم خوبی است مرحمت کردند و همینکه

او اینجا از حبس خلاص شد باز پسرش در تیریز بنای طایبان را گذاشته و املاکی را که سابقاً پرور عصب کرده بود باز بنای قصب کردن گذاشته و پسرشیدالدوله نوشته بود که شاه ریاست سوار و ایل را ابتدا اطلاع ندانسته و خودش بعضی تلگرافات به پسرش کرده و آنجا شهرت داده اند که رحیم خان همه روزه بمجلس میرود و رشیدالدوله را مجبور بر رفتن کرده اند و سوارهای چلیانلو که در اردو بوده اند فرار کرده اند و خود او هم چند روز قبل از اینجا بدون اجازه حرکت کرده و چون رفتن او برای آذربایجان بد است میگویم که بعضی اخبارات از آنجا رسیده و فرمانفرما بدولت تلگراف کرده شما که ایل را بر رحیم خان میخواهید بدهید خوب بود از من تصویب میخواهید صلاح نبوده و سوارهای چلیانلو از اردو رفته اند و هیچ جواب پاو داده نشده گویا ما هیچ نداریم محض آتیه آذربایجان عرض میکنم و فرمانفرما تلگرافی به وکلای آذربایجان کرده و تلگراف رحیم خان را به پسرش عیناً در تلگراف خود درج نموده و پسرش بر رحیم خان تلگراف کرده بوده است که اگر ایل و سوار بشما سپرده شده چرا رشیدالدوله و کسانش از مدخله ما مانع هستند رحیم خان جواب داده که ضرر قائم الممالک بنه خود را روانه و خود را هم وکلای آذربایجان بجهت کاری دو سه روز است معطل کرده اند و همین دو سه روز حرکت خواهم کرد سوار و ایل هم بگیرند استقبال بیایند و فرمانفرما بما خطاب کرده شما هم که اینطور اسرار داشتند چرا بمن اطلاع ندادید و هنوز خود رحیم خان رفته اینطور آنجا اغتشاش کرده اند حالا خودش هم میرود نمایانم تکلیف چیست.

رئیس من مسبق نیستم از رفتن او باید تحقیق شده و جلو گیری شود.

آقا میرزا مرتضی قلی خان - لایحه از کمیسیون داخله که در باب بلدییه بود در خصوص کالسکه ها و درشکه ها پررور قدری از آن در اینجا قرائت شده بعضی از آن مطالب را تصویب نمودند حالا بنده ایستادگی میکنم که در این باب بلدییه خودش با رئیس راه آهن طرف گفتگو است که بواسطه آن اسبی که بطرف خیابان راه میرود یک تیرازی بگذارند خواهد بود یا نه اگر قانون است متن سایر لوائح قانون باید چاپ شده و کلا داده شود تا وقت خود را نبوده آتوق مطرح مذاکره شود.

رئیس - چون مدتی است این لایحه را بلدییه فرستاده است و اکثر هم مسبق باین مسئله هستند از این جهت گفته شد که زودتر مطرح شده تمام شود حالا هم اگر رای میدهد چاپ شود.

وکیل الرعایا - صحیح است قانون باید عمل توجه باشد و چاپ شده وقت بشود اما نه این لایحه که مطالب آن واضح و روشن است.

احتشام الاعلیاء - این لایحه باید زودتر از مجلس بگذرد چون مردم بلدییه اتصالاً اعتراض میکنند و از هم میخواهند مالیات بگیرند کالسکه چها و درشکه چها نمیدهند و میگویند تا مجلس قانونی نگذارد نمیدهم.

آقا میرزا محمود - چون متصل این لایحه راجع با و گوان است باید این مطلب دقت میشود پس باید

حساب میکنند یعنی از اسبهای درشکه و کالسکه نه از اسبهای سواری و این که در این لایحه از برای درشکه و کالسکه های اربابی کمتر معین کرده اند بجهت همین است که آنها میتوانند اسبها را تغییر و تبدیل کنند کار آنها کمتر از مال گرایه است و صورت لایحه عوارضاتی که بلدییه بجهت کالسکه و درشکه و گاری و امثال آن معین کرده و یک مرتبه در مجلس قرائت شده بود مجدداً قرائت شد قریب بان مضمون

(از درشکه و کالسکه های اربابی)
یک ماهه ۵ تومان
یک ساله ۶ تومان
(درشکه و کالسکه گرایه)
یک ساله ۲۰ تومان
یک ساله ۳۰ تومان

کاری یک ساله ۳ تومان سالیانه هیجده تومان دو چرخه یک ماهه شش هزار سالیانه هفت تومان و دو هزار چرخ بستنی یک ماهه یکقران یک ساله دوازده قران

اتومبیل یک ماهه یک تومان یک ساله دوازده تومان اتومبیل گرایه علاوه از اینکه از است و واگون هم از قرار ماهی سه تومان دلچیان و گاری که از خارج وارد شهر میشوند هر دفعه هنگام ورود بشهر چهار هزار

آقا میرزا عماد - از چرخ بستنی فروش نباید چیزی گرفت زیرا که این چرخ اسباب و حامل رزق اوست صحیح نیست که از او چیزی گرفته شود.

وکیل التجار - یک نکته ایست که در اینجا بکلی فراموش شده است و آن مسئله تراموه است که در شهر گردش میکند و راه عبور مردم را هم سد کرده در هر جای خارجه رسم است که یک قسمتی از منفعت آنرا سالیانه باید بلدییه بدهند نمایانم در اینجا آنرا میدهند یا نه.

رئیس - این مسئله را باید با نمایانم رجوع کرد تا معلوم شود.

آقا سید مهدی - در این باب بلدییه خودش با رئیس راه آهن طرف گفتگو است که بواسطه آن اسبی که بطرف خیابان راه میرود یک تیرازی بگذارند خواهد بود یا نه اگر قانون است متن سایر لوائح قانون باید چاپ شده و کلا داده شود تا وقت خود را نبوده آتوق مطرح مذاکره شود.

رئیس - چون مدتی است این لایحه را بلدییه فرستاده است و اکثر هم مسبق باین مسئله هستند از این جهت گفته شد که زودتر مطرح شده تمام شود حالا هم اگر رای میدهد چاپ شود.

وکیل الرعایا - صحیح است قانون باید عمل توجه باشد و چاپ شده وقت بشود اما نه این لایحه که مطالب آن واضح و روشن است.

همان طوری که آقای نواب گفتند امروز بهمهت چاپ کتب و بوکلا داده شود و پسرکوز هم و کلا نظر خودشان را نموده آتوق مطرح شد تصویب شود چون قانون است باید طوری باشد که عمل ایراد واقع نشود.

حسینقلی خان نواب - شما که این قدر در عبادت بلدییه تمجیل و اصرار دارید خوبست بوزیر مایه بگویند که تبر چاپ کند و مالیات را بدون تبر نگیرند تا تبر بشاه مردم اطمنان بدان مالیات ندارند.

رئیس - مسئله تبر درشش ماه قبل مذاکره شد و در مجلس اساساً تصویب شد و فرار شده است که برای آن یک دستور العملی بنویسند که قانون شده و چاپ کنند که از روی آن دستور تبر را داده مالیات بگیرند.

آقا سید مهدی - اما مسئله واگون که گفته شد واگون داخل در این لایحه نیست خود بلدییه با رئیس راه آهن گفتگو میکنند هر طوری که قرار داد اوتام شد آتوق مینویسند اما اداره بلدییه حالا مدت سه ماهست که مردم و انجمنها اتصالاً اعتراض بآنها دارند که کار نمیکند و او هم میخواهد که از درشکه و کالسکه ها عوارض بگیرد پاو نمیدهند و متسک میشوند باین که تا قانون تمام نشود نخواهم داد حالا میگویند از هم این قانون بماند مدتی طول خواهد کشید

رئیس - باید زودتر عجله کرد تا اینکه بلدییه مشغول کار بشود.

شرف الدوله - زودتر باید این قانون را تمام کرد و بیله به داد تا این که در مقام اصلاح خیابانها بر آید.

آقا میرزا آقا مجاهد - این قانون را باید چاپ کرد و بشام و کلا داد تا این که درست ملاحظه و دقت نمایند و دیگر این که قانون باید فقره فقره خوانده و تصحیح شده تصویب شود.

رئیس - حالا کمیسیون باید چاپ کرد چه ضرورت دارد که همه مواد آن چاپ شده تمام و کلا داده شود.

آقا سید مهدی - در این باب بلدییه خودش با رئیس راه آهن طرف گفتگو است که بواسطه آن اسبی که بطرف خیابان راه میرود یک تیرازی بگذارند خواهد بود یا نه اگر قانون است متن سایر لوائح قانون باید چاپ شده و کلا داده شود تا وقت خود را نبوده آتوق مطرح مذاکره شود.

رئیس - بلدییه یک کمیسیون از مجلس خواسته که در مسائل راجع بخودشان مذاکره نماید و باید یک قضا معین گردد که در صحیح شبه حاضر باشند و موضوع مذاکره روز شنبه هم انشاء الله قانون مدلیه است و باید کاری کرد که زودتر این قانون بمجلس بگذرد.

حسینقلی خان نواب - ما استدعا میکنم که قانون تبر زودتر از سایر ماده های قانونی که بمجلس میاید بیاید زیرا که همه کار مجلس اصلاح مایه است و اخذ مالیات هم بدون تبر صحیح نیست

را در روزهای فوق العاده مجلس آورده مطرح شود تا اینکه زودتر تمام گردد و از روز شنبه باید بتوانون هدایه شروع نمود.

مذاکرات روز شنبه
شهر بهرم الحرام
دارال شورای ملی

خلاصه مذاکرات روز شنبه ۲۴ آذر امیرزا مرتضی قلیخان قرائت کردند

رئیس - واقعات دیروز در حقیقه خیلی موجب تأسف مجلس و عموم ملت است ولی خیلی جای تشکر است که بعمدالله تعالی بغیر گذشت و البته میدانید که هیئت محترم وزراء بدربار احضار شده بودند و بنده خود هم شرفیاب شده و آتوق لازم بود در این موقع عرض شد که مجلس و ملت و تمام انجمنها از اینگونه اشخاص نهایت متنفر هستند و تمام ولایات هم تلگراف شد ولی چون وزیر داخله تلگراف کرده بود و وقت هم نبود که مجلس منعقد شده تصویب مجلس تلگراف بشود این بود که بدون اطلاع آقایان تلگراف شده و دستور تلگراف مزبور را محض استحضار خاطر آقایان نوشته و قرائت میشود و امروز هم صبح مجلس منعقد شده اگر چه تمام آقایان حاضر نبودند چون موقع میگذاشت چنین صلاح دانستند که هیئتی از وکلای محترم بجهت عرض تشکر از این موهبت عظمی شرفیاب حضور مبارک اعلیحضرت همایونی بشوند و خود بنده هم بودم این بود آنچه که تا کنون من اطلاع دارم

آقا حاج امام جمعه - در روز قریب ظهر به مناسبت دستخطی که اعلیحضرت همایونی روز پنجشنبه نسبت بوقلا اظهار رضا مندی فرموده بودند شرفیاب شده و خیلی باحسن تلقی مجلس پایان رسید و مجدداً امروز ظهر که برای اظهار تشکر از این موهبت خداوند که بفضل الله این واقعه بغیر گذشت شرفیاب شد خیلی اظهار همراهی و نهایت با مقاصد مجلس فرموده بحدیکه تمام آقایان بیکه همراه بودند زمان مراجعت طوری اظهار تشکر و خوشوقتی نمودم که حدود نصف ندارد و مخصوصاً این طور فرمودند که من همیشه مراقب و حافظ مجلس بوده هستم و عمارت جدید مجلس هم که تمام شد خود هم بانجا آمده افتتاح میکنم و فرمودند که خوبست افتتاح آن را در روز اول سال قرار بدهند بنده عرض کردم همان روز را روز اول سال قرار میدهم و سلامتی انشاء الله تشریف خواهند آورد مقصد این است که خیلی اظهار مرحمت و همراهی فرمودند ولی افسوس (این نقل جاهلان بعضی اشرا بطوری و کلاه و تمام ملت را اسرده نموده که خیلی اسرده گی شده جهال و اشرا هم جاهلند ولی عقیده من ایستد که این حرکت از ایرانی و ایرانی نژاد نیست و از خارجه هست که بشروطیت متمسک گشته و می خواهند که صدمه باین اساس وارد بیاورند و مخصوصاً امروز که شرفیاب شدیم اعلیحضرت فرمودند که من از ملت خود را دوست میدارم و نهایت اطمنان را به آنها دارم و میدانم که این حرکت از ملت ما نیست و از کسانی است که مخصوصاً عناد دارند و ماهه آنچه لازم بود در این باب عرض رسانندیم و خیلی جای تشکر است که بفضل الله تعالی از این

رئیس - بلدی باید قانون تبر و قانون متوفیات

سوه حرکت بوجود مبارک بندگان اعلیحضرت صدمه وارد نشده است .

رئیس - يك مسئله را فراموش فرمودید که در همچو موقتی خاطر تان هست که اعلیحضرت همایونی چه قدر اظهار اعتماد نسبت بمجلس و به ملت می فرمودند و مخصوصاً تاکید فرمودند که حکومت مجلیه ونظمیه ابد از آن خطی که دارند بهیچوجه تخطی ننمایند .

آقامیرزا مرتضی قلی خان - اولادیهی است که بچه اندازه بغیر گذشتن این سوه قصد موجب شکر گذاری گردیده و تا بنای معلوم است که بچه اندازه نمایندگان ملت از این سوه قصد که بعد الله واقع نشد متأسف هستند و البته موکلین آنها هم باید همین درجه متأسف باشند نیز جای تشکر است که این سوه قصد از ایرانی نبوده است و چیزیکه خیلی محل تأسف است بی نظمی شهر دبی تریبی اداره نظمی است و با اعتقاد بنده باید در این مسئله خیلی دقت شود مثلاً چهارصد یا صد نفر بجهت حفظ وجود اعلیحضرت معین شده به عقیده بنده فایده ندارد بلکه آن وجهی که برای اینکار مصرف میرسد آنرا به مصرف مخارج بیکسره بیس مخفی بشمارند که بواسطه ترتیبات سری آنها مصدر این قسم سوه قصد را دانسته و کشف اینگونه واقعات را بکنند که قبل از وقوع در فرغ آن بکوشند دیگر چون و کلا نمایندگان ملت هستند و در حقیقت باید در آن مورد وجه تصدقی بشکرانه نرسیدن صدمه بر وجود مبارک اعلیحضرت بدهند خوبست در عرض این فقره اهانه بورنه مقولین و اشخاصی که در این موقع مجروح وزخمی شده بدهند و همچنین موکلین هم با آنها تاسی نمایند و نیز اگر صلاح باشد از طرف مجلس اعلان بشود که هر کس مرتکب این امر شنیع و دستگیر نماید همه قسم همراهی از مجلس درباره ارسده و از طرف دولت هم به ارتقا درجه و منامات نایل خواهد گردید .

مؤمن الملک - عقیده بنده را آقا میرزا مرتضی قلیخان اظهار داشتند هر کس بتواند در قوه خود اعانه بدهد اولاد کلا بدهند و بعد سایرین بایشان تاسی جست خواهند داد .

آقاسید حسن تقی زاده - در این موقع مجلس سه وظیفه داشته دواتی از آنها را فرمودند یکی اظهار تأسف از این حادثه و یکی اظهار تشکر از خیر گذشتن این واقعه غیر مترقبه سیم اینکه تمام ملت از آن شدت رابطه و اتحادیکه باشخص اعلیحضرت همایونی داشته اند امروز هم زاندا علی ماسب خواهند داشت همانطور که شخص سلطنت با هم راسخ اقدام فرموده در استعکام رسته ارتباط سلطنت با قوه جامعه ملی مجاهدت دارند همین طور مجلس شورای ملی هم بصدای بلند ندا میکند که این مناسبت و ارتباط بین شخص سلطنت و قوه جامعه ملی برقرار و مستحکم بوده و خواهد بود و همان نحوه که در روز امیدوار از پیشرفت امور و اصلاح آن بودند امروز هم امیدوارند که هیئت دولت و شخص اعلیحضرت کمال اتحاد را با ملت داشته و تمام کارها بخوبی اصلاح شده و در تحت انتظام بوده و خواهد بود .

آقا شیخ یوسف - همان قسم که حضور اعلیحضرت

عرض شد و آقای امام جمعه فرمودند یقیناً این حرکت شنیع از شخص ایرانی نبوده زیرا که جنس ایرانی با نظره شاه پرست میباشد .

حیاط باشی - اشخاصیکه برای محافظت اعلیحضرت معین شده اند همان اشخاصی هستند که دیر در آن موقع در ادای وظایف خودشان مسامحه داشته و متفرق شده سر گرم لغت کردن مردم بودند این اشخاص برای این کار بپرد تفرغ و به عقیده بنده باید اشخاص صحیحی برای حفظ وجود مبارک اعلیحضرت همایونی معین و انتخاب نمود .

آقا سید حسین - آنچه لازم بود و کلا عرض کردند ولی به عقیده بنده آنچه در این مورد از طرف نظریه و حکومت در گرفتاری مرتکب اقدام شود باز مجازات در کار نخواهد بود چنانچه دیدیم فلان شخص علناً تردد کرد و چقدر باعث خرابی و قتل و قارت شد مهربان در هیچ جا استطاعت و محاکمه نشد و ابداً او را مجازات ندادند و الا در طهران راه می رود و از او مآخذ نشد .

آقامیرزا علی آقا - بنده عقیده ام این است که این بلا توجه بعموم ملت داشت و منحصر بشخص مقدس اعلیحضرت همایونی نبود و الحمد لله از هر کجا بود تیرش بظن رفت اگر میشد چه میشد نمایانم چه بگویم و عاجز از تشکرات لازمه آن و اگر طوری شده بود مثل این بود که تمام ملت ایران مرده بودند و خیلی جای تشکر است از اینکه خداوند حیات دوباره بتمام ملت ایران بخشید در این موقع تلگرافی که از طرف مجلس مقدس بولایات شده بود قرائت شد .

سواد تلگراف مجلس مقدس شورای ملی بعموم انچه های ولایات ممالک محروسه روز جمعه بیست و پنجم بهمد از ظهر اعلیحضرت اقدس همایونی خلد الله ملکه بجزم توقف دوشبه در شان تپه از زبان گاریخانه هنوز میفرمودند در حالتی که خودشان در کالسکه شریف داشتند ولی اتومبیل با فاصله صد قدم در جلو بود بعضی از ذوات خبیثه که هنوز معلوم نیست چه اشخاصی بودند اندو نازیک با تومبیل انداختند چند نفر فراش و ملجبات جلو مجروح و تلف شد ولی از فضل خداوند بواسطه فاصله که کالسکه داشت ابد آسبیبی بوجود مقدس و ملتزمین رکاب نرسیده تا بنای مراجعت بعمارت دواتی فرمودند هموم ملت و در ساری در صد نفس و دستگیری ذوات خبیثه و اشرار جاهلستند و انشاء الله عملاً قریب دستگیر و مجازات خواهند شد و در همین روز جمعه در ساعت شش از دست رفتن يك عده از منتخبین و کلائی ممالک محروسه برای عرض تشکر مراجعی که در طی دستخط مبارک روز پنجشنبه نسبت بمجلس مقدس و کلائی مجترم فرموده بودند مشرف شدند و بحسن تلقی آن مجلس تشکر بپایان رسیده بود انشاء الله ملت واجب حق تاسی بس این مراسم و حالت حاضر در منتهی درجه قوه خود در صد رفع این گونه اشرار سعی و همت خود را مصرف خواهند داشت .

رئیس نتیجه این شد که اولاً بمسئولیت حکومت محلی بدو عهد نمایند که مرتکب را بدست بیاورد و در ثانی به آن طور که آقا میرزا مرتضی قلیخان گفتند اعانه جمعه بورات مقولین و خود میر و حین داده شود و نیز اجازه داده شود که بگنجینه گالی پلس

برای انتظام زهری گرفته شود مسئله دیگر اینکه دیده میشود که بعضی در مابرتنقک و اصلحه در دست دارند و این مخالف با انتظام شهر است هر کامجلس صلاح بداند موقوف شود .

وکیل التجار - من میتوانم ثابت کنم از اینکه مرتکب ایرانی نبوده زیرا که تاکنون دیده نشده ایرانیان نسبت بشاه خودشان سوه قصدی بنمایند سوه قصد که سهل است سوه ادب هم ننموده اند و اگر اتفاتی افتاده از جهال مملکت بواسطه خیالات فاسده خودشان بوده است و از باب اسلحه البته بعد از اینکه حکومت بدانند که نظم شهر مختل است باید قذف نمایند که کسی اسلحه بر ندارد .

احسن الدوله - بنده در خصوص نظمی عرض میکنم که تاکنون نظمی نظامنامه نداشته که از روی آن رفتار نماید خوب است يك نظام نامه بزودی در ترتیب امور آن ها نوشته شده بآن ها داده شود که هم آنها تکلیف خود را بدانند و هم ملت .

آقامیرزا آقا محمد - بر حسب وظیفه خودم عرض میکنم که مرتکب اهم از اینکه ایرانی بوده یا نبوده باعث خجلت نیست زیرا که مسلم است در هر مملکت عادل است و جاهل هم هست ولی چیزیکه هست اینست که بگفته داریم مشروطه است و بگفته مستبد است و بگفته دیگری هم هست که من حس میکنم و آن قوه مغربیه است که فقط در صد تخریب ملت و مملکت است و تصدیی بطرف يك شخص خاص ندارند و استدعا از اربابان و وزراء این است که هم خود را مصروف در رفع این قوه بدارند و نگذارند این قوه خود نمائی کند و بیشتر از این در این مملکت رواج و نفوذ پیدا کند و هر چه زودتر باید این قوه را دفع و رفع کنند که موجب خرابی ملت و مملکت نشود .

امین التجار - مطلبی که جناب آقامیرزا آقا گفتند میخواستم عرض کنم آنچه لازم تشکر بود اظهار شد حالا باید تاکید شود که مرتکب زود بدست بیاید .

رئیس - هیئت کابینه جدید است که بجهت معرفی آمده اند .

رئیس الوزراء - شاهراده ظفر السلطنه در وزارت جنگ ابقا شده اند و همچنین جناب شیر الدوله بوزارت امور خارجه جناب مؤید السلطنه برای وزارت عدلیه منتخب شده اند و امیدواریم بطوریکه آسایش ملت فراهم آید از عهده بر آید جناب مؤمن الملک برای وزارت تجارت بانضمام گمرک انتخاب شده اند و جناب صنیم الدوله بوزارت مالیه انتخاب شده اند و در واقع ایشان اعراف از این هستند که بنده از ایشان معرفی کنم و جناب مخیر السلطنه بوزارت علوم منتخب گردیده اند و در واقع مستفنی از تعریف بنده هستند و خود بنده هم برای وزارت داخله و خدمت باین شش نفر هم قسم حاضر هستم .

آقاسید عبداللہ مجتهد این انتخاب شخص خودتان است .

رئیس الوزراء - بلی نامها خود بنده انتخاب کرده و امیدواریم که با کمال جمعی حواس مشغول کارشوم .

آقاسید عبداللہ مجتهد اولاً تبریک را از عهده اولد می خواهم .

رئیس الوزراء ما هم توفیق از خداوند مطلیب آنچه در قوه است بانصرت خدمت بدولت و ملت بنمائیم و البته از طرف مجلس هم آنچه لازم همراهی است خواهیم شد .

آقاسید عبداللہ مجتهد البته وظیفه مجلس همین است .

مخیر الملک - در این موقع که هیئت جدید حضور دارند لازم است که بعضی عرایض بنمایم در این مدت چند کابینه عرض شده که اگر از عرض شد که تکلیف وزیر اینست که وزارت خانه خود را دایر نماید که در نبودن وزیر وزارت خانه بی کار نماند پس برای هر وزیري يك معاون لازم است و هر وزارت خانه باید بکنفر مستشار خارجی داشته باشد و از امروز وزراء باید در این صدد باشند که برای خودشان از هر کجا که صلاح بدانند يك نفر مستشار بیاورند مطلب دیگر اینکه وزیر مالیه باید جمع و خرج امسال را نوشته و بمجلس بفرستد که معلوم شود چیست و اگر بپردم مواجب میدهند به همه بالسویه بدهند و اگر نمی دهند بهمه ندهند امسال جمعی هم حقوق خود را گرفته و بعضی هیچ نگرفته

اگر باید فرقی داشته باشد باید بنسبات کار و بی کار باشد نه بکسی یعنی هر کس بی کار است بگیرد و هر که کار دارد بگیرد مثل این که ما از اجزاء وزارت عدلیه که همه قسم متوقع درست کاری از آنها هستیم هیچ با آنها مواجب داده نشده و مواجب باشخاصیکه بی کار هستند داده شده مطلب دیگر این که وزیر علوم باید تشکیل يك روزنامه صحیح بدهد یعنی يك روزنامه که حاوی اخبار داخله باشد تا این که موجب اطلاع اهل مملکت گردد و ملت بدانند که از طرف وزارت داخله چه اقداماتی در درکارها میشود ما امروز يك روزنامه که حاوی اخبار صحیحه داخله باشد و انسان بتواند صحت و سقم آنها را از آن تشخیص بدهند از این مسئله امروز خیلی لازم است .

حاج سید نصر اللہ - تمام قرائشات درستی است و مخصوصاً مسئله تاسیس این گونه روزنامه خیلی اهمیت دارد .

آقاسید حسین - استدعا این است و البته خودتان هم میدانید که تا ادارات داخلی مرتب نشود کارها پیشرفت نخواهد کرد پس باید هر کدام يك نظامنامه داخل برای اداره خودشان بنویسند که هر يك از اجزاء آن اداره تکلیف خود را بدانند و اگر ادارات و وزارتخانهها مرتب شد امیدواریم که سایر ولایات هم منظم شود و اگر اینکار درست نشود هر وزیري که بعد می آید ترتیب کار درست مسیوق نخواهد بود و زحمت وزیر سابق هم بهدر خواهد رفت .

آقامیرزا مرتضی قلیخان - اولاً تبریک میکنم هیئت وزراء را و خیلی خوشوقتم از اینکه بجهت اشخاصی هستند که مایه امیدواری است و اینکه آقای رئیس الوزراء فرمودند که مجلس باید همراهی نماید این همراهی باید از طرفین باشد باید وزارتخانهها بطوری مرتب باشد که کارهای آنها رجوع بمجلس نشود در اینصورت مجلس هم بوظیفه خود عمل خواهد کرد در کارهایی که با وزراءست

مداخله نخواهد کرد مخصوصاً وزارت مالیه بطوری غیر مرتب بود که هر مطلب جزئی رجوع بکسیسیون مالیه میشد و بپلازه از طرف وزراء توسط هم دربارت بعضی هامیشد و گمان این است که در واقع توسط نداشته باشند زیرا که اگر توسط قبول شود موجب اشکال خواهد شد و اگر هم بدو شود همین طور پس باید اموری که راجع بوزارت مالیه و سایر وزراءست طوری صحیح شود که باعث این طور زحمت نشود .

ممتاز الدوله - مطلبی را که جناب مخیر الملک گفتند تکرار میکنم که توضیح وقت بشود ولی مطلب سیاسی دارم که راجع بوزیر مالیه و وزیر جنگ است آن راهم حالیه عرض نمی کنم تا این که وزراء مسلک خودشان را بگویند و اظهار کنند آن وقت آن مطلب را عرض میکنم و وزراء هنگام معرفی بر گرام خود را یعنی مسلکی که بآن مشغول کار خواهند بود باید بمجلس اظهار دارند که و کلا از مسلک آنها مستعشر شده بدانند که مسلک وزراء با مسلک خودشان در اصلاح امور مملکتی موافق است یا نه .

رئیس - میگویند می نویسیم و میدهیم .

اسد اللہ میرزا - چیزی که از همه کارها اهم است آن ترتیب وزارت عدلیه است اگر بنای عدلیه محکم باشد سایر کارها بواسطه عدلیه منظم خواهد شد پس باید وزارت خانه عدلیه خیلی صحیح و منظم باشد تا این که مردم که از راه دور پولی خرج می کنند و می آیند عارض میشوند برمشان رسیدگی شده احقاق حق شود البته خود وزیر عدلیه تمام این ترتیبات را بهتر میدانند مطلب دیگر این است که بعضی از خبرهای خوش از سواد جیلغ و استر آباد رسیده اگر جناب وزیر امور خارجه صلاح بدانند مزده بعموم ملت و تماشاجی ها بدهند .

وزیر امور خارجه - دیشب تلگرافی از فرمانفرما داشتم که سواد جیلغ و سوه بکلی تخلیه شده و يك قسمتی از عسکر عثمانی در آنجا ها هست و منتظر مال بنه هستند که پیدا کرده و حرکت کنند و از ایل منگور و غیره هم کفاندی فرمانفرما رسیده و خیلی اظهار تداست و شمهانی کرده بودند .

اسد اللہ میرزا - از استر آباد هم اگر خبری هست جناب وزیر داخله توضیح بدهند .

رئیس - بلی تلگرافی از سواد رسیده بود که جنگی واقع شده و از طرفین چند نفر کشته شده آخر الامر سید افرنج کرده است .

وکیل الرعایا - بنده در مسئله مستشار که گفته شد برای وزارت خانهها بخواهند عرض می کنم بلی لازم است ولی چون قدری طول میکشد لهذا از وزراء استدعا می شود حتی الامکان اشخاص بآدانش عالم را داخل در کار نمایند تا قدر دانایان معلوم شود .

آقامیرزا محمود - چون قانون وزارت داخله چاپ شده و اگر از مردم نمیتواند بفرند بنده حاضرم که محض خدمت بملت بآن قیمت که تمام شده بجناب وزیر داخله واگذار نمایم که ایشان مجاناً تقسیم نمایند .

سید الکام - مطلبی راجع بورا می خواهم عرض کنم چون روح مملکت مالیه است و خاصه جات

خراب است خوب است يك حکام صحیحی برای آنجا معین شود که از خرابی بیرون بیاید .

امان اللہ میرزا - آنچه مخیر الملک در خصوص مستشار گفتند صحیح است ولی تمام آبادی مملکت بسته بیول است و تا پول نباشد اگر بتراط حکیم را برای کار بیاورند هیچ کار نخواهد کرد .

امین التجار - کابینه جدید باید اعانهات خودشان را در کلیه کارها بنسبایت خصوص در انتظامات ولایات .

آقاشیخ حسین - قانون اساسی سر مشق وزراء است و بموجب اصل صحت و یکم وزراء همان اعمال یکدیگرند وزیر هم باید از قانون تخطی نکند و کبلی هم باید تخطی نکند آقا وزراء اقرار دارند که همان اعمال یکدیگر هستند .

وزیر جنگ - در کلیات امور ضمانت داریم **رئیس الوزراء** - البته ضامن یکدیگر هستیم .

آقاسید حسن تقی زاده - بنده میخواهم عرض نمایم که يك سال و نیم است این مملکت مشروطه شده و وزراء مالم بقانون مشروطه منتخب شدند ولی هیئت کابینه زود بزود عوض میشوند و این تغییر هیچ وقت موافق با قانون مشروطه نبوده زیرا که قانون مشروطه این نیست که اگر يك وزیري بواسطه يك تصیری منزل شود هیئت تغییر کند و هرل هیئت در اینجا فقط بواسطه اینست که در کارها مسامحه و مسامله مینمایند حال باید وزراء روز بروز در صد ترقی وزارتخانه های خود بیاورند اما بسکس مشاهده میشود و من میخواهم عقیده خود را در اینجا اظهار نمایم تا اینکه ببینیم سایر و کلا پاس هم عقیده هستند یا نه و آن اینست همانطوری که جناب مخیر الملک گفتند باید وزراء اداره وزارتخانهشان را تاسیس و تشکیل نمایند و هر يك برای خود معاون معین کنند پس امروز ما متعان میکنیم تا یکماه دیگر اگر این هیئت در صد ترقی وزارتخانه های خود بر نیامدند و اداره نکرده اند ما هم اطمینان خودمان را تنزل میدهیم مطلب دیگر اینکه خوبست بستان خود را سر کار بیاورند که برفتن آن وزیر آنها هم پرونده مسئله دیگر که همه وقت در اینجا شکایت کرده ام و بدهم ما بشدت شکایت خواهم نمود اینست که وزراء کارهای خود را راجع بمجلس می نمایند در صورتیکه نباید هر مطلب جزئی را رجوع بمجلس بیا بکسیسیون بنمایند وظیفه مجلس نیست که برایش رسیدگی کند و این ارجاع را وزراء دابل بر اطاعت خودشان از مجلس میدانند و مجلس باید اینگونه عرایض را باره باره کند و هر عریضه باید رجوع بوزراء شود و آنها هم هیچ حق ندارند که بمجلس بفرستند بلکه باید خودشان آن عرایض را رسیدگی کرده بدشرحی با ادله و بر همین مجلس بنویسند که این مطلب همین طور است که رسیدگی شده و اگر هم مجلس قبول ننماید آن وزیر باید استاد کی کرده استعفا بدهد نه اینکه تمام کارها را رجوع بمجلس نمایند پس ما هم متفق می شویم که هر گاه وزراء وزارتخانه های خود را منظم کرده و به تمام کارها رسیدگی می نمایند تشکر نمایم و الا لا و این مسئله که گفته شد راجع بعموم وزراء است و يك مطلبی راجع وزیر داخله است که کار

هائی را که وزیر داخله سابق اصلاح نکرده بود و همین مطلب باعث ایراد بر او شد ایشان زود تر اقدام نموده اصلاح نمایند مطلب دیگر هم اینکه حکام را زود برود تغییر ندهند که این مسئله باعث خرابی ولایات است و ما هر روز می شنویم که حاکم فلانجا را تغییر دادند و این صحیح نیست.

مفتخر الملک - یک قسمتی از عراض بنده را آقای تقی زاده فرمودند قسمت دیگر اینکه اقسام میکنم آن تلگرافاتی که از مازندران آمده بچوانند تا در آن خصوص مذاکره بشود.

حسینقلی خان نواب - اینکه گفته شد وزراء از برای خودشان مستشار از خارجه بیاروند خوب است اولاً وزراء نظامنامه برای ادارات خودشان بنویسند تا اینکه ترتیب اداره کردن آنها معلوم شود و اگر پس از نوشته شدن نظام نامه داخلی وزارتخانهها و معمول داشتن آن باز وزارتخانهها معظّم نشد و مجلس تصویب کرد که مستشار از خارجه بیاروند آنوقت خواسته بشود و در میان وزارتخانهها وزارت امور خارجه معظّم است برای همین است که دارای نظامنامه است پس سایرین هم باید برای خودشان نظامنامه بنویسند و آنرا معمول دارند.

وکیل الرعایا - یکمطلب عمده که بایست در حضور وزراء ملاحظه شود مسئله پول بوده حالا که وزراء رفته اند خوب است این مطلب را لایحه نموده بمجلس بفرستند که چهارم را در نظر گرفته اند.

وکیل التجار - اینکه است که باقی مانده و لازم بود در حضور وزراء گفته شود و آن این است که وزراء بعداً احکامات و مقرراتی را که می نویسند ننویسند بصوب مجلس شورای ملی است مثل اینکه حکومت رشت را که تعیین میکنند بنویسند که بصوب شورای ملی مجلس شده و حال آنکه بعضی بمجلس ندارد و تصویب بمجلس آنست که مطلوب را در مجلس رای بگیرند.

لسان الحکماء - هیئت قانونی ملت آن شخصای هستند که فواید بملت خود مایه دارند مثلاً وزیر تجارت باید توسعه در ثروت مملکت بدهد نه اینکه معاکمه تجار بنماید و فایده شخصی در نظر داشته باشد پس باید برخلاف سابق فکری برای توسعه تجارت و ثروت مملکت نماید و همچنین وزیر مالیه

حاجی سید نصرالله - بنده خواستم که جواب آقای نواب را بدم که اشتباه نشود مجلس اظهار نکرد که وزراء مستشار از خارجه بیاروند بلکه گفتیم که وزراء بدو باید وزارتخانههای خودشان را مرتب نموده و یک نفر معاون هم برای خود معین کنند که اگر چند روزی خودشان غیبت کردند یا عارضه اتفاق افتاد وزارتخانهها بی ترتیب یا معلوم نباشند حالا این مستشار را از هر جا می آورند خود می دانند اگر در داخله مملکت همچو اشخاص هستند لازم نیست که از خارجه بیاروند.

حسینقلی خان نواب - بلی این فرمایش جناب عالی صحیح است ولی در مجلس از کلام مخصوصاً اظهار داشتند که مستشار را از خارجه بخواهند این بود که بنده عرض کردم اولاً وزراء نظامنامه داخلی خود را بنویسند اگر اداره تنها مرتب نشد آنوقت مستشار از خارجه بخواهند تا اینکه قدم مردمان خودمان مجهول نماند.

مخبر الملک - آن کسیکه در خصوص مستشار از خارجه را گفته بود بنده بودم آقای نواب اینکه گفتند عمومی است و گفتند که وزارت خارجه معظّم است بنده گفتم هر کدام از وزراء نتوانند که لازم دارند مستشار بیاروند چنانکه برای وزارت مالیه آورده اند و عرض میکنم که وزارت خارجه هم منظور که باید معظّم باشد نیست و برای نوشتن نظامنامه برای وزارتخانهها آنها محتاج بوجود مستشار است.

وکیل الرعا - اگر شما همچو قدرتی دارید که اگر مستشار آمدو گفت این شخص که سر کار است نمی تواند کار بکند باید او را برداشت و دیگری را که با علم و کار کن است بجای او گذاشت مستشار بیاروند والا لازم نیست که مبالغ زیادی مواجبه آنها بشود و باز کارها همین نحو بی ترتیب باشد.

رئیس - حالا این مسئله را بگذارید بماند خود وزراء لایحه در این خصوص می نویسند بمجلس می دهند آنوقت در این موضوع مذاکره میشود روزیکشنبه قانون متوفیات خواهد بود.

مجلس ختم شد

وقایع و مذاکرات روز یکشنبه ۲۷ شهر محرم الحرام دارالشورای ملی

امروز بواسطه مخصوص بودن مجلس مذاکرات داخلی بدو بدون حضور تماشاچی منعقد گردید چون مذاکرات بطول انجامید وقت مجلس منقضی شد قرائت دوم قانون متوفیات ممکن نشد.

مذاکرات روز سه شنبه ۲۹ شهر محرم الحرام دارالشورای ملی

خلاصه مذاکرات روز شنبه ۲۹ را آقای میرزا مرتضی ولی خان قرائت کردند.

رئیس - این تلگراف چند روز قبل از استر آباد رسیده بود ولی بواسطه نبودن فرصت ممکن نشد قرائت شود چون سیددار در حقیقت در این مورد خدمت کرده اند لهذا امروز قرائت می شود تلگراف مزبور قرائت شد فریب این مضمون حضور حضرات عالی آقایان و امانتای مجلس مقدس و آقای رئیس الوزراء چند روز بود که نزدیک تپه بلخی مشغول تداوات و توقف دایلات نعلی مستعد مجامعه هر قدر باشراف بلائیت بآنها اطمینان داده که پست کتور و کو کلال بروسم راضی نشده جلو گیری نموده و بر شرارت افزودند لهذا امروز اردو را متوقف و سرباز حمله نموده و بیست تپه توب خالی نموده و مدمم خود بنده با سوار پورش برده و سرباز هم از عقب بعد از فتح نصیب شد و فریب بیست نفر از اهل اردو شهید و زخمی شده اند و اسبم از طرفین خیلی تلف شد و صاحب زمینان اردو خیلی زحمت کشیده اند حال منوط بنایبده و لطف اولیای امور است

آقا شیخ محمد علی - روز شنبه عرض شد که یکی از مواد مهمه دانستن و کلا صورت معاهدات و امتیازاتی است که بخارجیه داده شده و از طرف ریاست امر شد بدینتر رجوع شود رجوع شد غیر از امتیاز راه آهن و واگون چیز دیگر نبود در این موقع که مذاکره استقراض بیان آمده لازم است که و کلا از سایر معاهدات و شروط قروض سابقه اطلاع داشته باشند و نیز دور نیست که مفسدین بلز در این ایام اسباب فساد و افتشاشی بین اعیان حضرت و مجلس فراهم

حسینقلی خان - آنروز در این لایحه خیلی

بیاروند خوب است که از طرف مجلس اقدام افتادی بین خلطت و مجلس بشود هر روز با یکماه یکمرتبه یک هیئتی از مجلس حضور اعلی حضرت شرف شوند تا نگذارند اوقات شبهه حضور اعلی حضرت بنشیند و نیز اشخاصی که سفارت خانهها متعین میشوند باید دانست که معاهده سابق چه بوده باید اشخاصی که مقصر هستند بهجازات برسند نه اینکه شرارت نمایند و بروند سفارت خانهها متعین بشوند و دیگر اینکه در خصوص امتیاز بانک لشتمشاهی است که باید معلوم باشد ترتیب آن چیست زیرا که آنچه طلا و نقره بوده جمع کرده و در عوض اسکناس داده باید بدانیم که مدت این امتیاز تا کی و ترتیب آن چه میباشد دیگر اینکه باید قوانین کلیتاً ماده ماده در مجلس قرائت شود خصوصاً قانون عدلیه که باید فصل فصل و ماده ماده قرائت شده از مجلس بگذرد و بعضی همایونی رسیده و بوضع اجرا گذارده شود زیرا که هر گاه بخواهیم تمام قانون عدلیه از مجلس بگذرد یکسال و نیم طول خواهد کشید.

رئیس - تمام مطالب شما صحیح است اما از پس مقرر است تمیذ نام کدام یک را جواب بگویم اما در باب امتیازات آنچه در دفتر موجود است که هست و آنچه نیست وزارت امور خارجه طبع کرده و منتشر خواهد نمود و همه کس خواهند دید و در خصوص معاهده جز معاهده ترکمان چائی دیگر معامله نداریم و آنچه در ناسخ التواریخ و مرآت البلدان صورتش هست و در باب قانون عدلیه هم همانطور بموجب قانون اساسی رفتار میشود و اینکه میگوید یک سال و نیم طول خواهد کشید اینطور نیست و انشاء الله تعالی کمتر از یک ماه بلکه بیست روزه از مجلس خواهد گذشت.

آقای میرزا محمود - فرمایشات آقا شیخ محمد علی امروز موقش نبود چون قرار شده که موضوع مذاکرات روز قبل اطلاع داده شود و در مجلس قبل هم گفته شد که امروز باید قانون متوفیات قرائت شود لهذا ایشان خارج از موضوع مجلس صحبت نمودند در این موقع مشغول بقرائت لایحه بلدیه شدند.

پس از مذاکرات زیاد در یکی از مواد آن وقت مجلس منقضی شد.

مجلس ختم گردید

مذاکرات روز سه شنبه ۲۹ شهر صفر المظفر دارالشورای ملی

خلاصه مذاکرات روز سه شنبه ۲۹ را آقای میرزا ظاهر قرائت کردند.

رئیس - امروز هم موضوع مذاکره همان لایحه بلدییه است و آنروز هم چند نفر بیشتر رای ندادند برای رجوع شدن بکمیسیون هر قدر هم تأخیر بشود باعث ضرر بشهر خواهد شد پس خوب است زودتر بگذرد.

احتمال الاطباء - در این لایحه در این یک ماده فقط بجهت کالسکه و درشکه عوارض بسته شده است و اینکه گفته شد که باید باسب و غیره هم عوارضی معین شود چون هنوز خاطر و کلا کاملاً از این مسئله مسبق نیست پس باید برای بعد ها از سایر معاهدات و شروط قروض سابقه اطلاع داشته باشند و نیز دور نیست که مفسدین بلز در این ایام اسباب فساد و افتشاشی بین اعیان حضرت و مجلس فراهم

مذاکرات شد که از بلدییه قانونیکه باید اجرا آمد و باید بگذرد بعضی گفتند باید قانون عمومی باشد بنده گفتم این قانون عمومی نخواهد بود و نمیشود چنین چیزی قانون عمومی بلدییه مملکت باشد بنده امروز عرض میکنم که عوارض شهری هیچ ربطی بمجلس ندارد بلکه هر چه بلدییه تصویب کرده ذابقتضای وقت بوده مجلس هم آنرا تصویب می نماید و مجلس زیاد بر این باید در این موضوع مذاکره نماید و این مسئله راجع بخود بلدییه است و محتاج بوضع قانون از طرف مجلس نیست.

مخبر الملک - ما الان مخالف قانون بلدییه که نوشتم صحبت میداریم اگر این مسئله از روی عقیده شخصی است باید لایحه بشود امضاء شده بمجلس بیاید و اگر از روی قانون بلدییه باشد باید آنچه عوارض میکنند بصوب مجلس باشد آنچه بنده اطلاع دارم در خارجه هر چه را که بلدییه میگیرد بصوب مجلس است چنانچه در پاریس و جاهای دیگر همینطور است منتها عوارضات شهرها تفاوت دارند ولی هر چه هست باید بصوب مجلس باشد و قانونی شود و غیر از این نمیشود ولی یک عرض اساسی داشتم و آن اینست که این راهی را که ما میرویم بترکستان است این که این قوانین را یارده مجلس میشود و باره را ادارات مختلفه بنویسند آن وقت یک قوانین غیر مرتبطه پیدا میکنیم که هیچ باهم مناسبت ندارند چنانچه در ممالک متمنه هم هست که یک اداره مرکب از مردمان عالم عاقل بصیر با اطلاع از برای نوشتن و ترتیب نمودن قوانین هست که هر قانونی از آنها بمجلس می آید و در اینجهام باید یک چنین هیئتی باشد برای مرتب نمودن قوانین که تا قوانین بی مناسبت و غیر مربوط بهم نباشد ما حالا از این لایحه بلدییه نمی توانیم از روی بصیرت و اطلاع چیزی بنویسیم و رای بنده فقط بعضی چیزها است که وجداناً حکم می کنیم مثلاً این که باید یک چیزی برای درست کردن خیابانها گرفت این شیهه ندارد ولی بجهت راه و چه جور این کار اهل علم و اهل فنست مثلاً در ترکستان می خواهند اجرای آب را درست کنند اول از طرف اداره بلدییه جمعی از اهل علم را که شاید هم اکثر از آنها اهل بلدییه می باشند مأمور تحقیقات و رسیدگی می کنند و آنها هم آنچه تحقیقات هلی است بعمل آورده و مختار جش را بر آورد کرده بعد آنرا در بلدییه مطرح مذاکره میکنند پس از آنکه در بلدییه مذاکره نموده و تصویب کردند آنوقت از مجلس بجهت خارج آن محل می خواهند آنچه اطلاع بنده هست این است و عقیده بنده این است که در این شهر باید یک انجمنی از اهل فن و اشخاصیکه عالم هستند تشکیل داد که در آنجا کتب لازمه نیز باشد و این قوانین را بیک ترتیب صحیح بنویسند این طور که این قوانین را نوشته اند نمی شود و عقیده بنده صحیح نیست همین قوانینی که تاکنون نوشته اند ناقص است مثلاً نوشته اند که برای کالسکه و درشکه یک چیزی بگیرند بعضی هم گفتند که برای اسبها هم باید گرفت و این لایحه از روی قانون نیست و نمی شود بآن رای داد.

آقای شیخ حسین - بنده عرض میکنم فرمایشاتی که جناب مخبر الملک فرمودند که باید موافق قانون باشد صحیح است ولی یک چیزی را فراموش کرده اند و آن این است که بعضی چیزها را که از سابق می دادند مردم حالا نمی دهند و می گویند

باید مجلس این بدهد لهذا نباید این لایحه را این قدر بتأخیر انداخت.

ادیب التجار - در باب اینکه این مسئله حق بلدییه است که بمجلس بدهد یا نه و در مجلس قرار بگذارند یا نگذارند گویا مجلس قانونی بدست آنها داده است که حق بلدییه است بموجب قانون بلدییه.

لسان الحکماء - همانطوریکه جناب مخبر الملک فرمودند تعیین مالیات بمجلس است ولی یک دقت نظری است که در سایر جاهها منظور داشته اند و اینجا منظور نداشته اند آن نظر در عوارض کالسکه و درشکه بجا و ممکن است مثلاً درشکه که یک نفر یا دو نفر بنشینند چهل فرانک میگیرند هر گاه سه نفر جا بگیرد شصت فرانک میگیرند و کالسکه های بزرگ که چهار نفر بنشینند هشتاد فرانک میگیرند حالا اینجا هم ممکن است که در کالسکه های اربابی این مسئله را منظور دارند.

آقای میرزا آقا مجاهد - همان طوریکه در مجلس قبل اظهار شد باید مالیات کلیه تصویب مجلس باشد از یک دینار تا هر چه باشد و از این گذشته باید مالیات از روی تناسب باشد یعنی ملاحظه ثروت و تمکن را نمود و همچنین در کالسکه و درشکه اسب را ملاحظه نمایند که اگر یک اسب دارد قدر بدهد دو اسب قدر چهار اسب قدر و مخصوصاً در جاهای دیگر از کالسکه ها و درشکه ها گرایه کمتر عوارض میکنند زیرا که اسب او مایه اعاشه او است و اینجا بسکس ملاحظه شده و این با تناسب مالیاتی صحیح نیست و باز مجبور هستم که عرض کنم این صورت را نمی شود پذیرفت و یک مسئله دیگر که متنازع عقبه بود این بود که آیا این مالیات برای کلیه مملکت باشد یا مخصوص این جا در عوارضات بلدییه عمومی نمی شود بلکه مختص همین شهر است و در هر حال عقیده بنده این است که عوارض درشکه و کالسکه از روی میزان اسب باید باشد بر فرض حالا برای اسبهای سواری چیزی منظور نمیشود ولی مال درشکه و کالسکه باید از روی اسب باشد.

حاجی سید نصرالله - این مطلبی را که آقای مخبر الملک در باب تشکیل انجمن از اهل فن و علم برای نوشتن قانون فرمودند صحیح است و باید یک همچو هیئتی باشد ولی ما هر روز همین هیئتی نداریم که قوانین در آنجا نوشته شده و وقت شود و امروز ما باید فصل فصل و ماده ماده قوانین را از این جا بگذرانیم و لازم است که تنظیم و تمهیر خیابانهای این شهر بشود و عوارض بگیرند و نمیشود این مسئله را حواله بیک هیئت موهوم بنمائیم حرف دو کلمه است که آیا مجلس این لایحه را می پذیرد یا نه و باید این عوارض را بلدییه بگیرد یا نه خوب است در این باب رای بگیرند و بگذرد.

وکیل التجار - بموجب قانونیکه ما وضع کرده ایم خوب است که برض آن حرف بزنیم در قانون بلدییه نوشته شده تعیین میزان متعارفی و معمولی از سابق با خود بلدییه است و همچنین ترتیباتی که باید با اطلاع وزارت داخله با حکومت هر محل باشد نوشته شده چیزیکه هست عوارضات جدید را باید مجلس تصویب نماید.

آقا حسینقلی - همچو معلوم میشود که مقصود بلدییه آنست که آیا باید از کالسکه و درشکه فقط عوارض گرفته شود یا نه و اسب را باید به صحبت شد انجمن بلدییه جواب داد که در موقع بلدییه در این باب هم باز لایحه پیشنهاد خواهد کرد (گفته شد در باب درشکه و کالسکه از اربابی چه قسم رفتار خواهد شد جواب دادند که نمره زده شده و مقش گذاشته خواهد شد.)

وکیل الرعایا در فصل نوزدهم قانون اساسی نوشته است که هیچ قسم مالیات برقرار نمیشود مگر بحکم قانون و قانون همان است که بصوب مجلس وصحه های اربابی برسد حرفی که هست این است که این قانون عمومی است و این قانون عمومی میشود و اما نه اینکه در تمام بلدییه شهرها یک قسم باشد این سخن نومان که مالیات درشکه میشود در فلان شهر هم بشناسد که است باید بدهد منتها باندازه که محتاج الیه است از گرفته میشود آن چه نیست نمیگیرند و نیز عقیده بنده باید از درشکه و کالسکه های اربابی پنجاه هزار علاوه کرده از گرایه کسر نمود.

رئیس - حالا باید رای گرفت که رجوع بکمیسیون بشود یا اینکه در همین جا تصحیح و تنقیح بشود.

حسینقلی خان - بریروز بنده اینجا اظهاری کردم و امروز هم عقب آنرا گرفته و عرض میکنم که بنده از روی ندانستگی اظهاری نکرده و نمیتکنم ما ملاحظه قانونیکه خودمان وضع کرده ایم نمی نمایم در مجلس سابق ترتیب عوارض بلدییه بعضی از ممالک متمنه را عرض کردم و امروز هم عرض میکنم که عوارض انجمنهای غیر مرکزی اگر بالغ بر یک مبلغ معینی بشود راجع بانجمن ایالتی آن محل می شود و اگر بالغ بر آن مبلغ بشود بتوسط وزارت داخله بمرکز رجوع شده و بعضی همایونی باید برسد اما در باب انجمنیکه جناب مخبر الملک فرمودند برای نوشتن قانون عرض می نمایم که این مسئله لازم است و تا این کار نشود هیچ کار ما مرتب نخواهد شد و این مجلس ما مجلس مقننه نخواهد شد و در سایر ممالک تمام اینها را ملاحظه کرده پس از تجربیات زیاد تشکیل همچو انجمنی را برای نوشتن قانون لازم دانسته اند و این جا هم نباید همچو انجمنی تشکیل نشود هیچ کار درست نخواهد شد و استندما میکنم در باب این انجمن گفتگویی شود.

آقای سید مهدی - یکی از مستدعیات و کلا این است که مکررات در مجلس نباید مذاکره شود آیا این بلدییه یک عوارض لازم دارد یا نه چون لازم دارد در سابق بیست و پنجاه هزار از درشکه های گرایه گرفته می شد حالا هم بلدییه گفته است همان بیست و پنجاه هزار را بگیرند منتها پنجاه هزار هم برای درشکه اربابی معین شده و امروزه گفتگو در این است شاید یکماه دیگر هم در خصوص اسب پاساير چیزها فکری کند هیئت مجلس رای می دهد که این عوارض گرفته شود یا نه.

رئیس - اساساً که این مسئله قبول است اگر زیاد نمی دانید باید رای گرفته شود و بگذرد و هر گاه زیاد است باید در او صحبت شود.

حاجی معین التجار - در مسئله کم و زیاد این عوارض شاید شبهه شده باشد بنده عرض میکنم که درشکه های گرایه غالباً مال کمیاب است و مال بیکتر نیست و مالیاتی که از او گرفته می شود بر

کرایه خود افزوده و از مردم میگیرند ولی درشکه اربابی بکنفر است و مالیات را از کیسه خودش می دهد .

ممتاز الدوله - باید معلوم شود که این عوارض است یا مالیات و در اینجا که عوارض می نویسد و مالیات نمی نویسد برای چیست ؟

رئیس - باز داخل مذاکره شدیم حالا که میل دارید باز مذاکره بشود .

مخبر الملک - آقا چه در سابق از درشکه های کرایه می گرفته اند بحکم کی گفته اند بگیرند پس آنچه در سابق می گرفتند حالا هم باید گرفته شود ولی آنچه تازه می خواهند بگیرند باید بموجب قانون تصویب مجلس باشد و برای قانون هم چنانچه عرض کردم باید یک هیئت عالم خبر بصیری معین شوند و قانون بنویسند که تمام اصولش با هم مناسبت داشته باشد و اینک می گویند آنچه در سابق گرفته می شده نمی دهند چرا نمی دهند شما باید بدهند .

احشام الاطباء - اینکه آقای مخبر الملک میگوید چرا آن اشخاص عوارض خود را نمیدهند میگویند چرا درشکه های اربابی نمی دهند آنها هم که راه را خراب میکنند آنها هم بدهند تا ما هم بدهیم .

آقای میرزا فضلعلی آقا مطلبی که از اول مطرح میشود خوب است یکی یکی مطلب آن معلوم شده مذاکره شود که موجب تطویل مذاکره نشود

از این مذاکرات چند معلوم میشود که این لایحه منتهی بچند مطلب میشود اولاً اینکه آیا باید در این باب مذاکره شود یا خیر پس از قبول شدن باید مذاکره شود که از اسب و کالسکه روی هم چیزی گرفت از یکدیگر باید جدا شود و مطلب دیگر در خصوص کالسکه اربابیست که آیا این مبلغ که معین شده کم است یا زیاد است بقیه بنده این مطالب یکی یکی مطرح شود زود میشود رای گرفت ولی در صورتیکه دردم باشد نمیشود نتیجه گرفت .

آقای سید نظام الدین - آنچه که بنده در روز نامهای خارجه دیده ملاحظه کرده ام در خارجه غالباً عوارضات باین اشیاء از روی تفنن تعلق میگیرند و هر وقتی بافتن آن قانون میگردانند .

آقا شیخ محمد علی - آنروز عرض کردم حالا هم عرض میکنم که وقت مجلس شورای ملی شریف است پررود این ورقه به مجلس آمد و مدتی مذاکره شده بعضی گفتند رجوع بکمیسیون شود

حالا هم باز مدتیست که مذاکره میشود و نتیجه ندارد اگر میفرمودند بگریه که رجوع بکمیسیون شود یا از مجلس بگردوایتی در وقت مجلس تلف نشود .

آقای میرزا آقا مجاهد - اگر می خواهید همانطور مثل سابق بگیرند تا اینکه صحیحاً قانونی نوشته شود والا اگر بخواهید که قانونی بشود باید از روی تناسب باشد باین ترتیب .

حسینعلی خان نواب - بنده عرض میکنم در اینکه باید قانوناً بگذرد حرفی نیست و در اینکه حق بلدی بوده است که این لایحه را نوشته و پیشنهاد نمایند هم حرفی نیست اما در باب کالسکه اربابی که آیا باید از همه آنها گرفته شود یا از یکی بنده از

قراریکه در کتاب دیدم در خارجه از تمام آنها می گیرند و ملاحظه ساخت کالسکه را می نمایند که برای یک اسب ساخته شده یا دو اسب یا بیشتر و پس از ملاحظه بنسبت مالیات بگیرند .

آقای میرزا محمود - خوب است پیش از این مجلس اوقات خود را ضایع نکند اگر این لایحه را قبول میکند و می خواهد شهر آباد شود که رای بدهد .

آقای سید مهملی - بنده عرض میکنم که بطوریکه لازم است ما پلیس و ژاندارم و متش نداریم حتی در خصوص دوچرخه های پستی گفته شد چیزی از آنها گرفته نشود زیرا که از صد نفر آنها در ماه اگر باید ده تومان گرفته شود افلا دوازده تومان باید بیک نفر موجب داد تا آن ده تومان را جمع کند پس در این صورت حال این ملک را نمی شود بخارجه قیاس کرد خوب است در خصوص این لایحه رای گرفته شده تمام شود .

حسینعلی خان - نمی شود اینجا را قیاس بخارجه نمود زیرا که در خارجه نواقل از همه قسم از تراموای الکتریکی و زمینی و زیر زمینی و غیره هم قسم موجود است و اگر کسی کالسکه نگاه ندارد فقط برای تجمل است ولی اینجا رسماً اگر کالسکه هم برای تجمل باشد اسب و مال تجمل نیست زیرا که با این خرابی خیابانها و نداشتن خطوط لازم هر گاه شخصی مثلاً بخواهد از دولا ب بفلان نقطه حرکت نماید مجبوراً باید سوار شود و حکایت تجمل نیست اینجا را بخارجه نمیتوان مقایسه نمود .

آقای حاج امام جمعه - بنده می خواهم ایرانیه را هر چیز خوبی در سایر ممالک می بینیم می خواهیم ما هم داشته باشیم و هر منفعتی که سایرین از آن میبرند ما هم برده باشیم و از آن چیز ها یکی مشروطیت بیچاره است که بدست ما افتاده و الان یکسال و نیم است که مملکت ما مشروطه شده ولی بدبختانه هنوز یک صنف از اصناف مملکت ما قانونی در دست ندارد که از آن قرار رفتار نمایند یک لایحه مختصری بلدی پیشنهاد کرده سه روز است اوقات مجلس را ضایع کرده و حال آنکه همیشه باید مذاکره شود که این لایحه پذیرفته میشود یا نه و مجلس رأی میدهد یا نه این مسئله اینقدر مذاکره لازم ندارد .

آقای سید حسن تقی زاده - در مجلس سابق از اینجا متفرق شدیم در صورتیکه اختلاف بود که آیا این لایحه شکل قانونی دارد یا نه بعضی می گفتند که این لایحه باید بکمیسیون رفته و به ترتیب قانونی نوشته شود و بعضی می گفتند همین صورت سیاهه که نوشته شده خوب است اکنون نمیدانم که چه شد دوباره امروز مطرح شد حال در این صورت پس از تصویب آیا باید اعلیحضرت همایونی همین سیاهه را صحت بفرمایند و بلدی هم هر چه بخواهد بگیرد و این سیاهه را نشان بدهد در صورتیکه مغایر شهر را زمین نکرده و یقیناً اعلیحضرت همایونی این ورقه را باین ترتیب صحت نخواهد فرمود اینجا همیشه گفته میشود که این لایحه از بلدی پیشنهاد شده و اگر هم بگویند پس از رای گرفتن نوشته میشود آنچه صحیح نیست و مجلس نمی تواند رأی بدهد زیرا که مجلس در

وقتی رأی میدهد که پس از رای دیگر ایداً تغییر و تبدیلی در آن لایحه حتی در یک لفظ آن پیدا نشود .

احسن الدوله - این قانون اگر گذشت و کالسکه و درشکه چی عوارض را نداد آنوقت مجازات آنها چیست این هم باید معین شود .

حسینعلی خان نواب - آقای تقی زاده صحیح گفتند باید این لایحه قانونی نوشته شود و بیاید بمجلس تا اینکه بشان در آن مذاکره نمود و این فقط یک سیاهه است نمیشود رأی داد .

آقای شیخ حسین - اینکه گفته می شود این سیاهه است و صحیح نیست بقیه سه چهار نفر است ولی عقیده بنده این است که همین سیاهه را رأی بگیرند که این مقدار باید کسر شود یا نه و بقیه بنده هم زیاد است .

عمیدالحکما - حالا حرف در این است که باید رجوع بکمیسیون شود یا خیر پس خوب است در این خصوص رأی گرفته شود .

آقای سید مهملی - بنده عرض می کنم همه قوانین که بمجلس آمد روی کاغذ برترتیبی بود ولی وقتی که رأی گرفته شد روی کاغذ صحیح نوشته شده و بعضی همایونی رسید این هم همین طور است پس از رأی گرفتن مسلم است بترتیب صحیح نوشته شده و مراعات عبارات قانونی آنها خواهد شد و بعضی همایونی خواهد رسید .

آقای سید علینقی - فرمایش آقای تقی زاده اقلاً شبهه کرد باید این را رفع کرد که آیا باینهم باید مجلس به این ترتیب که صورت نوشته شده رأی بدهد یا اینکه بعد از رأی تغییر داده خواهد شد خوب است این مطلب معین شود و چه ضرر دارد که باصل مواد رأی گرفته شود و بعد عبارات قانونی نوشته شود .

حسام الاسلام - بنده عرض میکنم که دو نمره وقت داریم یکی قبل از آمدن اینجا و یکی وقتی که باینجا می آیم و وقتی که در اینجا هستیم متعلق بملت است و نباید بیش از این فوت شود و هر طور صلاح است باید زودتر رفتار شود (بسال آخره پس از مذاکره زیاد فقط در باب مالیات کالسکه و درشکه اربابی رأی گرفته شد که در درشکه و کالسکه اربابی که در کار است ملهی پنجاه روز بدهد و با کثرت تصویب شد)

رئیس - اکثر از آنچه ها شرحی نوشته اند که از طرف مجلس چیزی برتیس نظمی نوشته شود که از طرف ملت هم مجاز باشند که در استطاعت اشخاصی که مرتکب آن عمل شایع در روز جمعه گذشته شده و حال گرفتار گشته و میشوند حاضر باشند بنده عرض میکنم لازم با اجازه نیست ملت در کلایه استطاعت حق حضور دارند مگر اینکه قانوناً تا یکدرجه مخفی باشد البته اگر مبل دارند حاضر شوند و منهم برتیس نظمی توصیه خواهم نمود و نیز آنچه لازم مجاهدت بوده در گرفتاری این اشرار در این چند روزه از طرف مجلس و انجمنها بعمل آمده و همه روزها با وزارت جنگ و حکومت شهر در این باب تا کیدات شده است روز شنبه طرف صبح آقایان و کلا باید حاضر شوند برای تعیین و انتخاب اعضاء کمیسیون مالی و این هم راپورتی از طرف کمیسیون خارجه است و مدتی بود که اظهار داشته بودند حالا باید فراتر شود .

و راپورت کمیسیون خارجه قرائت شد مشر بود بر این که چندی قبل از طرف وزارت خارجه لایحه پیشنهاد بکمیسیون خارجه شد در باب اداره تقشیش برای نظارت تخم نوقان که از خارج وارد میشود و بر حسب نظامنامه که نوشته شده هر جبهه یک قران حق العاینه میخوانند بگیرند چون تخم نوقان را اکثر رعایای خارجه وارد می نمایند گرفتن این مبلغ حق العاینه تولید اشکال می نماید کمیسیون خارجه هم تحقیقات خود را در این باب بعمل آورده و اسناد راجعه باین مسئله را از وزارت خارجه خواسته و بدقت نظر ملاحظه شده معلوم گردید که امتیاز تأسیس این اداره تا اینجا سالها بطور واقعی بجناب حاج محتشم السلطنه داده شده و الحق ایشان هم لوازمات ابتدائی آنرا از قبیل آوردن معلم از خارجه و تأسیس مدرسه و وارد کردن بعضی ادوات و آلات لازمه از خارجه بعمل آورده اند و البته وارد نمودن این تخم از خارج و زیاد کردن در داخله هم لازم و موجب از دیار ثروت و ترقی مملکت است اما گرفتن جبهه یک قران حق العاینه زیاد است لهذا کمیسیون خارجه بعد از تحقیقات و ملاحظات اطراف کار چنین تصویب نمود که حق العاینه جبهه پانصد دینار گرفته شود ولی چون در امتیاز نامه میزان حق العاینه مصرح نشده و فقط در نظامنامه آن نوشته شده است اینست که تصویب این مسئله را موکول برای مجلس مقدس نموده است حال رأی مجلس چیست اظهار شود .

وکیل التجار - اولاً این امتیاز تا کنون معمول نشده است و از آن زمان تا بحال نه رعایای خارجه و نه رعایای داخله چیزی نداده اند ببلایه خارجی هم نکرده اند فقط یک مدرسه تأسیس کرده اند بنده عرض میکنم همان قوطی ده شاهی کفایت تمام مغایر را مینماید و مالیات و عوارض را نمیشود امتیاز داد اما امتیاز در داخله از بابت گذاشتن تخم نوقان صحیح است .

ممتاز الدوله - شرح این مسئله را جناب مستشار الدوله گفتند اینگونه امتیازات که در سابق گرفته اند هر گاه بخواهیم نقض کنیم دیگر هیچ ایرانی در این مملکت بخیال امتیاز گرفتن و آباد کردن مملکت نخواهد افتاد و این مملکت به همین طور خواهد ماند جهت ندارد که امتیاز خارجه را حرف نداشته باشیم ولی امتیاز داخله را نقض کنیم .

وکیل الرعایا - در تمام امتیازات اگر امتیازی صحیح باشد همین است و باید زودتر بموقع اجرا گذاشته شود .

آقای سید حسین - این اداره باید تا هفت سال اداره خود را تکمیل بنماید باین معنی که تخم نوقان را در همه اینجا بخوبی عمل بیاورند که دیگر محتاج نباشیم تخم نوقان از خارجه بیاوریم .

وکیل الدوله - عقیده وکیل التجار هم مخالف با رأی کمیسیون خارجه نیست ایشان هم میگویند حق العاینه جبهه ده شاهی گرفته شود و آخر رأی کمیسیون خارجه هم همین است که جبهه ده شاهی کفایت از تمام مغایر این اداره مینماید و باید شرط شود که تأسیس مدرسه و اسباب لوازمات یک نفر را از جانب خودشان وکیل کردند و او هم میخواست پانزده شاهی بدهد بعد سایرین راضی نشدند در صورتیکه وکالت باو داده بودند این بود

که جبهه ختم مسئله که پانزده شاهی یا یک قران داده شود قرار دادند که مجلس هر قسم رأی داد همانطور معمول شود حال مجلس باید در پانزده شاهی و یک قران گفتگو نماید .

مستشار الدوله - در اینکه برای توسعه زراعت و تجارت این اداره لازم است حرفی نیست اما در اینکه آیا این امتیاز محتشم السلطنه صحیح است یا نه باید صحت کرد و باید دانست که اول دولت میخواست این مطلب را در هفده یک نوکر کافی واگذار نماید و این اداره را دایر کند این بود که جناب حاج محتشم السلطنه قبول کرد و هر گاه این امتیاز با محتشم السلطنه نبود و یا بیک نفر خارجه بود آیا میتوانستید این امتیاز را رد کنید پس در اینصورت جهت ندارد که از یک نفر مأمور کافی این مطلب را قبول نکنید بلی چیزی که هست مدت شش سال را ما زیاد دانسته و از این جهت گفتیم که حق العاینه جبهه یک قران زیاد است ده شاهی باشد یا اینکه از آن مدت چیزی کاهیده شود .

حسینقلی خان نواب - بنده بنا جناب مستشار الدوله هم رأی هستم و یک مطلب علاوه از آنچه ایشان گفتند عرض میکنم که هر گاه این امتیاز باطل شود رعایای خارجه بعضی چیزها را هم نخواهند داد .

وکیل التجار - اولاً این امتیاز تا کنون معمول نشده است و از آن زمان تا بحال نه رعایای خارجه و نه رعایای داخله چیزی نداده اند ببلایه خارجی هم نکرده اند فقط یک مدرسه تأسیس کرده اند بنده عرض میکنم همان قوطی ده شاهی کفایت تمام مغایر را مینماید و مالیات و عوارض را نمیشود امتیاز داد اما امتیاز در داخله از بابت گذاشتن تخم نوقان صحیح است .

ممتاز الدوله - شرح این مسئله را جناب مستشار الدوله گفتند اینگونه امتیازات که در سابق گرفته اند هر گاه بخواهیم نقض کنیم دیگر هیچ ایرانی در این مملکت بخیال امتیاز گرفتن و آباد کردن مملکت نخواهد افتاد و این مملکت به همین طور خواهد ماند جهت ندارد که امتیاز خارجه را حرف نداشته باشیم ولی امتیاز داخله را نقض کنیم .

وکیل الرعایا - در تمام امتیازات اگر امتیازی صحیح باشد همین است و باید زودتر بموقع اجرا گذاشته شود .

آقای سید حسن تقی زاده - معلوم نیست که بچه جهت در این رأی گرفته میشود بلی اگر امتیاز نامه جدیدی بود لازم بود که در باب آن مذاکرات زیاد بشود بلی است که حالا مثل سابق امتیاز داده نخواهد شد اما و نتیجه این امتیاز سابق داده شده مجلس حق ندارد تغییری بدهد مثل اینکه این امتیاز رعایای خارجه داده شده بود بطور ذوق از امیرشده حالا هم همین طور دیگر اینکه در باب حق العاینه تغییری که داده اند آیا باینهم در امتیاز نامه مصرح شده که تعیین حق العاینه هر وقت بخواهد بادوات است یا نه خوب است توضیحی در این باب داده شود که مسبق شویم .

وکیل التجار - این حق العاینه را در صورتی که مالیات دولتی باشد حق دارند که در مجلس مذاکره کنند اما اینکه یک شخصی میخواست یک چیزی بگیرد ربطی بمجلس ندارد .

وکیل الدوله - اینکه میگوید در امتیاز نامه چیزی از بابت حق العاینه نوشته شده است یا نه در این موضوع چیزی در امتیاز نامه نوشته نشده ولی صاحب امتیاز خودش یک نظامنامه در ترتیب

آقای میرزا آقا مجاهد - بنده اگر چه کلاماً مسبق از این مسئله نیست ولی همین قدر عرض میکنم که تغییر وضع مملکت باعث تغییر معاملات نخواهد شد اگر این امتیاز بیک نفر از رعایای خارجه داده شده بود چه میکردید حالا هم اگر هم بخورد بعدها رعایای داخله هیچ امتیازی نخواهند گرفت .

استاد الامیرزا - مقصود کمیسیون خارجه هم همین بود که این امتیاز نامه صحیح است و باید جبهه ده شاهی گرفته شود و مجلس باید این مطلب را رأی بدهد که زودتر اقدام در این امر بنماید و پس جناب حاج محتشم السلطنه هم اینجا است و باید زودتر مردمان صحیح عالم را مأمور این کار کنند که این مسئله را اداره بنمایند و اقلاً ما را از احتیاج بخارجه از این حیث آسوده بنمایند .

بحر العلوم کرمانی - حرف در صحت و عدم صحت این امتیاز نیست و البته صحیح است مقصود این است که جبهه ده شاهی کم است یا زیاد این مطلب باید معلوم شود .

بحر العلوم - ده شاهی خوب است بشرط اینکه پس از چند سال ایران را از این بابت مستثنی کند .

رئیس - حرف در استثناء و عدم استثناء نیست صحبت در این است که این ده شاهی صحیح است یا خیر .

وثوق الدوله - چون گفته شد که مطلب در باب امتیازی است که بجناب حاجی محتشم السلطنه داده شده است بنده عرض میکنم در این باب گفتگویی نیست بجهت اینکه این یک اداره است یا امتیاز است که در چند سال قبل داده شده و نمیشود در آن باب گفتگویی بشود فقط گفتگو در باب جبهه ده شاهی حق العاینه است .

معاضد السلطنه - اما در باب امتیاز بهمان طوریکه گفته شد نمیشود تغییر داد و در باب ده شاهی هم گمان اینست که دیگران بیش از این ندهند و به همین طرد باید رأی داده شود .

آقای سید حسن تقی زاده - معلوم نیست که بچه جهت در این رأی گرفته میشود بلی اگر امتیاز نامه جدیدی بود لازم بود که در باب آن مذاکرات زیاد بشود بلی است که حالا مثل سابق امتیاز داده نخواهد شد اما و نتیجه این امتیاز سابق داده شده مجلس حق ندارد تغییری بدهد مثل اینکه این امتیاز رعایای خارجه داده شده بود بطور ذوق از امیرشده حالا هم همین طور دیگر اینکه در باب حق العاینه تغییری که داده اند آیا باینهم در امتیاز نامه مصرح شده که تعیین حق العاینه هر وقت بخواهد بادوات است یا نه خوب است توضیحی در این باب داده شود که مسبق شویم .

وکیل التجار - این حق العاینه را در صورتی که مالیات دولتی باشد حق دارند که در مجلس مذاکره کنند اما اینکه یک شخصی میخواست یک چیزی بگیرد ربطی بمجلس ندارد .

وکیل الدوله - اینکه میگوید در امتیاز نامه چیزی از بابت حق العاینه نوشته شده است یا نه در این موضوع چیزی در امتیاز نامه نوشته نشده ولی صاحب امتیاز خودش یک نظامنامه در ترتیب

این کار نوشته اند و حق المعاینه را یک قران قرار داده بودند ولی کمیسیون خارجه گفت زیاد است اما اینکه گفتند این مالیات نیست و بدیوان عاید نمیشود چرا سالی یک عشر از این بدیوان داده میشود و بر جمع افزوده میشود .

حسام الاسلام - تخم نوغان هم مثل سایر چیزها تجارت است سابق تخم نوغانهای خوب می آوردند و بر مردم میدادند چه ضرر دارد که یکعده مردم عالم باشند که تخم نوغان را معاینه کرده و بستانند و این ده شاهی را خود ما ایرانی ها میبیم .

اسدالله میرزا - توضیحاتی که وثوق الدوله دادند صحیح است در صورت تصویب مجلس خوب است باز یک حق نظری از باب حق المعاینه گذاشته شود تا یک مدتی وزن باید خواهش نمود که در مدت امتیاز قدری تخفیف ببینند .

ممتاز الدوله - تجدید نظر که سهل است اگر فی الجمله نظری هم بشود دیگر ایداً برای یک نفر از اهالی ایران اطمینان باقی نخواهد ماند علاوه محترم السلطنه در سیستان و اسکوی تبریز دشت و جا های دیگر که تخم نوغان بعمل می آید عملها گذشته اند و برای ترتیب عمل آوردن تخم نوغان در ایران زحمتهای کشیده اند .

وثوق الدوله - در باب تجدید نظر در خصوص حق المعاینه بقیه بنده از آنجاییکه شخصاً خود محترم السلطنه مایل ترفی و از دیاد ثروت مملکت مستند گدائم اینست که اگر در موقش از ایشان خواهش بنمایند که مقداری از حق المعاینه ومدت را تخفیف بدهند خواهند داد و هم چنین در باب امتیاز هم خواهش شود برضایت خودشان کم نمایند .

مخبر الملک - این لایحه با آن لایحه که از وزارت خارجه رسیده و توضیحات شفاهی معین میکند که چرا این مسئله بمجلس آمده و این حق المعاینه گرفتن یک حقوقی است که در مقابل یک خدمت بزرگی میخورد بگردد برای این مجلس آمده چون این مطلب مهم در امتیاز نامه نبوده و بکلی مسکوت عنه مانده و نمی توانستند بدون تصویب مجلس بگیرند این بود که آمد بمجلس حق المعاینه در نظامنامه بگفرا نوشته شده بود ولی کمیسیون خارجه بگفرا را زیاد دانسته قرار داده شاهی باشد اما در باب مدت امتیاز زیاد است و مجلس امروز حق دارد که بگوید تا ده سال یا کمتر یا بیشتر دهمشاهی باشد بعد از آن کم یا زیاد نماید و عقیده بنده اینست که مجلس باید این مطلب را امروز معین کند و با اینکه از مدت امتیاز نامه بکاهد در کمیسیون هم گفتیم در اینجا هم می گویم .

آقاسید حسن تقی زاده - آن توضیحاتی را که بنده خواستم جوابی داده نشد که بنده ملتفت بشوم مگر اینکه حالا جناب مخبر الملک گفتند معلوم می شود که حق المعاینه در امتیاز نامه تصریح نشده و در نظامنامه خودش نوشته و در اینصورت مجلس میتواند بگوید که هیچ نگیرد در این صورت ماداخل شده ایم در این مسئله که رعیت چیزی بدهد یا نه و در این خصوص باید مذاکرات زیاد بشود پس همانطور که گفته شد باید مدت امتیاز کم بشود .

مستشار الدوله - اینکه گفته شد حق المعاینه از خارجه گرفته میشود چنین نیست بلکه از تخم نوغانی هم که در داخله بعمل میاید حق المعاینه گرفته میشود بجهت اینکه باید معاینه شود که تخم مزبور تقلب شده و فاسد نباشد در این صورت تا پنجاه سال دیگر هم باشد باید معاینه شود و آنکه می در این باب در مدت دو سال با تمام سفراء گفتگوها شده و وقت قرار گذاشتند که ده شاهی گرفته شود و اگر ممکن بود کمتر از این بدهند اظهار میباشند و اینکه بنده اظهار داشتم که از مدت امتیاز باید چیزی کاسته شود این یک راه قانونی دارد که باید از آن راه داخل شد .

اسدالله میرزا - آنچه بنظر بنده می آید اینست که ظاهراً بر حسب قیدیکه شده است این امتیاز را بخارجه نمی توانند بدهند و در امتیاز نامه تصریح شده است که بعد از خودش این امتیاز به اولادش انتقال خواهد یافت و امروز این اداره برای آوردن معلوم بنام خود مدرسه و سایر ملزومات آنها مخارج زیاد لازم دارد و دادن ده شاهی حق المعاینه هم خوبست ولی بعد از چند سال این مبلغ زیاد است با باید این مقدار را کم کرد یا از مدت بکاهد .

حسام الاسلام - بنده عقیده ام اینست که از تخم نوغان داخله نباید بگیرند بجهت اینکه معاینه در مال خارجه است اگر داخله عیب داشته باشد میریزند دور .

وکیل الرعایا - حالا امتیاز نامه را نباید به مزد تا پنج سال ده شاهی بگیرند و بعد از آن تجدید نظر کنند .

ممتاز الدوله - اولاً این ده شاهی در امتیاز نامه نیست و این تجدید نظر همیشه از برای ماهست حالا ده شاهی قرار میدهم بعد هر طوریکه اقتضا نمود آنطور معین میشود چیزی که در امتیاز نامه نیست و فقط در نظامنامه هست همیشه میتوانیم تجدید نظر کنیم پس حالا ضروری ندارد که همان ده شاهی حق المعاینه باشد .

اسدالله میرزا - اینطور نمیشود باید معین کنید تا چند مدت به معین تمام باشد و بعد از انقضای آن مدت تجدید نظر کنید والا اگر معین نشود اسباب زحمت خواهد شد .

رئیس - پس باشد تجدید نظر نموده بعد از آن در مجلس دیگر رای گرفته شود مجلس ختم شد .

مذاکرات روز شنبه ۴ شهر صفر المظفر دارالشورای ملی
خلاصه مذاکرات روز شنبه ۲ در آقای مستشار الدوله قرائت کردند

رئیس - تلگرافی از فارس رسیده قرائت شود (قرائت شد تلگراف مزبور قریب بیان مضمون است)
توسط جناب حجة الاسلام آقاسید محمد زیدت بر کاتر حضور و کلاهی مجلس مقدس هر قدر از شرارت مستعد دیوان و انجمن اسلامی و حاجی سید عبدالعزیز عرض کردم فایده حاصل نشد امروز که روز شنبه است نعمت الله تمام آدم مستعد دیوان ضرب گلوله شش لول کار قوام الملک را ساخت هر گاه این اشخاص بسزای خود نرسند علاوه بر اینکه مستعد دیوان و غیره گفته خواهند شد فساد بزرگی در شیراز

رئیس - در واقع بر هیچکس پوشیده نیست که از طرف مجلس بعد از واقع شدن این واقعه چه قدر تأکید شده است که بر تکبیر دستگیر شوند اگر چه رسماً در این باب چیزی از مجلس بوزراء نوشته نشده ولی تأکیدات آکیده شده و چند مرتبه خود من شخصاً اصرار کرده ام حتی دیشب نزدیک بود با ظفر السلطنه در این باب کار بشنونت بکشد و تلگرافاتی که از اطراف و انجمنهای ولایات در این خصوص رسیده که سی و دو سه تلگراف است شاه برستی تمام مرد در ثابت می نماید دستگیری آن اشخاص هم با حکومت محلی و ظفر السلطنه میباشد ایشان هم آنچه لازم اقدام بوده کرده اند منتهی محض اینکه موجب نزول خاطر ها نشود

احداث خواهد شد و نعمت الله هم قلاً دستگیر و مجبور است .

رئیس - مقصود جهت اطلاع بود که قرائت شد و بوزارت داخله آنچه لازم بوده گفته شده است و نیز دستخطی از طرف بنده گان اهلیحضرت همایونی رسیده است قرائت شود

سواد دستخط اهلیحضرت همایونی
مجلس شورای ملی مکنون خاطر ما پیوسته چنین بوده و هست که در ضمن تهفید موجبات استحکام امر مشروطیت بقسمی اسباب جمعیت حواس وزراء و وکلای خود را فراهم نمائیم که بتوانند بالاتفاق اسباب آسایش ما را بطوری آماده نمایند که رشته فساد بالمره منقطع بوده و افوا و رضفای ملت ایران از نسبت سحت و امان طوری بهره مند باشند که عاجز ترین رعایا در مهد امن و امان از هر گونه صدمه و آسیب مصون بوده بتوانند عوض دفاع هم خود را مصروف حفظ و آبادی وطن و تحصیل شرافت و ثروت و مکننت نمایند ولیکن ملاحظه نمایند در خالتیکه اساس امنیت برای شخص سلطنت تا این درجه متزلزل باشد رعایای ممالک دوردست و اهل تنور و سرد و فقرای ملت اسلام و مطلق رعایا چگونه میتوانند از جان و مال خود ایمن و راحت باشند میدانم که از این سوه قصد که برای ما شده تا چه درجه خاطر وکلای صدیق و امین مشوش و پریشان است ولیکن انتظار داشته و داریم که از طرف مجلس بیشتر و زیادتر از شخص ما خودمان بر تعیین معر کین و گرفتاری مرتکبین باولوی امور تأکید و تشدد بعمل آید تاکنون که نه روز از این مقدمه گذشته اثری و حاصلی ظاهر نشده است بیم آن داریم که مرور ایام و ولای اهمیت قضیه در انتظار و افکار منسی داشته اقدامات جدی را که میبایست خیلی بیشتر از اینها در این موقع بمقام بروز آید بکلی سست و باقیال بالمره مسکوت عنه بگذارد اینست بالضروره خاطر وکلای ملت را آگاه میداریم ما نه محض محافظت وجود خودمان که نگریم انان فضل خداوند متعال است بلکه برای استقرار امنیت و بجهت آسایش یک مملکت بزرگ اسلام تا گزیریم که اگر تا چند روز دیگر هم اثری در تعیین معر کین دستگیری مرتکبین ظاهر نشود لابد بعضی اقدامات مجدانه بعمل خواهد آمد که خیانت مجرمین هویدا و افراض مفرضین آشکار و پیدا شود و ازمراتب شاه پرستی و صداقت و کلای خیرخواه انتظار داریم که در تئیل این مقصود مشروع تا همه جا با خیالات ما همراهی کرده دواعی خواهی خود را بهالبدان واضح خواهند کرد

رئیس - در واقع بر هیچکس پوشیده نیست که از طرف مجلس بعد از واقع شدن این واقعه چه قدر تأکید شده است که بر تکبیر دستگیر شوند اگر چه رسماً در این باب چیزی از مجلس بوزراء نوشته نشده ولی تأکیدات آکیده شده و چند مرتبه خود من شخصاً اصرار کرده ام حتی دیشب نزدیک بود با ظفر السلطنه در این باب کار بشنونت بکشد و تلگرافاتی که از اطراف و انجمنهای ولایات در این خصوص رسیده که سی و دو سه تلگراف است شاه برستی تمام مرد در ثابت می نماید دستگیری آن اشخاص هم با حکومت محلی و ظفر السلطنه میباشد ایشان هم آنچه لازم اقدام بوده کرده اند منتهی محض اینکه موجب نزول خاطر ها نشود

رئیس - اگر اهلیحضرت همایونی ترتیب و شکل اقدام را فرمایند که چه نحو اقدام باید بشود البته باز از طرف مجلس بهیچوجه کوتاهی نخواهد شد .

وکیل التجار - حس ملی و حس مجلس شورای ملی مستثنی از این است که بتفریر باید ولی تکلیف مجلس فقط جدا خواستن است و اجراء آن با وزیر داخله است که باید نهایت اهتمام در در دستگیری اشرار بنمایند چنانچه چند نفر را گرفته اند .

رئیس - اهلیحضرت همایونی دستخط فرموده اند و اظهار کمال رضایت و اطمینان را هم نسبت بو کلامه محترم فرموده اند .

آقاسید مهدی - بعضی از رعایای بنده را جناب عالی فرمودید و اینکه گفته شد منتهی علناً در مجلس رسمی در اینباب گفتگو نشده بقیه بنده در اینباب یک اندازه مسامحه شده است حالا باید در مجلس علنی وزراء را خواست و جدا گرفتاری اشرار را از آنها باید بخواهیم .

حاج معین التجار - این فقره را نمی شود تشبیه کرد بسایر وقایع اتفاقیه زیرا که این واقعه لاهه بمجلس بلکه بتسام مملکت وارد آورده در حقیقت مجلس از این فقره شاکی است که وزراء چرا نیاید اقدامی کنند .

همه روزه علناً هیاهو نشده و الا از طرف مجلس و حکومت محلی و کمیسیون سرحدی وغیره در این باب نهایت تأکید شده است و حالا هم بطوری که دستخط مبارک صادر شده باید فردا وزراء را خواست و ظفر السلطنه توضیحات خود را در این باب بدهد و و کلامه منظم پیش آرایش باید در اینباب اقدامات نموده تا انتها درجه ایستادگی باید داشته باشند .

مستشار الدوله - چنانچه جناب رئیس فرمودند در کمیسیون سرحدی بوزراء این اقدامات و تأکید شده و دیروز هم بوزارت داخله این تأکید شده و نوشته شده وثبت آنها هم شاید در دفتر باشد در هر صورت دو مملکت قانونی باید طوری اقدامات بشود که اگر مجلس هم تأکید نکند وزراء باید بوظیفه خود مشغول باشند اینکه مرقوم فرموده بودند که خود اقدام می کنم معلوم است اهلیحضرت که رئیس قوه مجریه است باید اقدام در اجراء فرمایند ولی بهمان ترتیبی که قانون حکم میکند یعنی از مجری خود البته اقدامات از طرف وزراء باید بشود و لولاینکه اهلیحضرت یا مجلس اقدام و تأکید نکنند و وزراء هم اقدامات خودشان را کرده و کوتاهی هم ننموده اند و امید است که این مطالب بخوبی توضیح بشود .

رئیس - اگر اهلیحضرت همایونی ترتیب و شکل اقدام را فرمایند که چه نحو اقدام باید بشود البته باز از طرف مجلس بهیچوجه کوتاهی نخواهد شد .

وکیل التجار - حس ملی و حس مجلس شورای ملی مستثنی از این است که بتفریر باید ولی تکلیف مجلس فقط جدا خواستن است و اجراء آن با وزیر داخله است که باید نهایت اهتمام در در دستگیری اشرار بنمایند چنانچه چند نفر را گرفته اند .

رئیس - اهلیحضرت همایونی دستخط فرموده اند و اظهار کمال رضایت و اطمینان را هم نسبت بو کلامه محترم فرموده اند .

آقاسید مهدی - بعضی از رعایای بنده را جناب عالی فرمودید و اینکه گفته شد منتهی علناً در مجلس رسمی در اینباب گفتگو نشده بقیه بنده در اینباب یک اندازه مسامحه شده است حالا باید در مجلس علنی وزراء را خواست و جدا گرفتاری اشرار را از آنها باید بخواهیم .

حاج معین التجار - این فقره را نمی شود تشبیه کرد بسایر وقایع اتفاقیه زیرا که این واقعه لاهه بمجلس بلکه بتسام مملکت وارد آورده در حقیقت مجلس از این فقره شاکی است که وزراء چرا نیاید اقدامی کنند .

حاج امام جمعه - اقدام این کار با وزراء است و مجلس باید نظارت داشته باشد که وزراء در گرفتاری اشرار مجد بوده بهیچوجه مسامحه روا ندارند و این مسئله خیلی اهمیت دارد باید از وزراء خواست که چرا اقدام نمی کنند و تا حال چه کرده اند .

حسینقلی خان نواب - وجوهی که سابقاً برای بانک ملی گرفته شد و ثانیاً باز باسم بانک ملی بطور افانه هم گرفته بودند خوب است که صورت آنرا چاپ کنند با اشرقیهای نقدی که و کلا و عموم ملت بدهند آن وجوهی که باسم بانک ملی و وجه افانه گرفته اند چقدر بوده است و بچه مصرف رسیده است .

رئیس - این فقره که در روزنامه درج شد بشام مردم میرسد و همه می دانند لازم بدان صورت بو کلا نیست و صورت آنها هم در مجلس خوانده شد و پروژنامه داده میشود که طبع و منتشر شود .

حسینقلی خان نواب - اگر بو کلا برسد در روزنامه هم نوشته میشود آن وقت همه اطلاع حاصل میکنند .

آقای حاج امام جمعه - باعقاد بنده نقط بخوانند صورت در مجلس نمیشود قناعت کرد باید اول مجلس ببساط آنها رسیدگی کنند آن وقت بجهت اطلاع ملت قرائت شده و در روزنامه هم طبع شود .

رئیس - کمیسیون مالیه برای همین است و دقت خود را در اینباب نموده می نماید .

موتمن الممالک - در کمیسیون مالیه آنچه صورت داده شده ۲۴۹ هزار تومان و کسری است که اغلب آنها قبض است و چون کمیسیون مالیه بنا بود تغییر کند آن صورتهای همینطور مانده است که پس از انتخاب اعضاء کمیسیون مالیه ایشان تحویل شود و اگر حالاهم بخواهند حاضر است .

آقای میرزا محمود - بنده عرض میکنم که صورت مخارج این پول باید نوشته شود که مثلا بسرباز چه داده شده و بتویخانه چه داده و بارباب حقوق چه داده شده مقصود اینست که این صورت باید نوشته شده و چاپ شود که کسی ایرادی برمانگیرد .

موتمن الممالک - تمام قبروضات و صورتهای حاضر است .

حاج معین التجار - این دو دست وجهی که هزار تومان تماماً نقد نبوده اغلب قبض بوده که بعضی مال خودشان بوده و بعضی از بستگان خود گرفته و دادماند .

حسینقلی خان نواب - بنده عرض میکنم وقتی که اسم بانک ملی می آید تمامها جدا اهتمام داریم که این بانک ملی تأسیس شود و این مملکت این بانک را لازم بلکه واجب دارد و بانک تأسیس نمیشود مگر اینکه صورت حساب این دجوه که گرفته شده است جزء جزء نوشته شده و معلوم گشته طبع و منتشر گردد .

در این خصوص درست اقدامات بعمل نیارود و در حضور آقاسید عبداللهم این صحبت شده بود .

صادیق حضرت - آقا فرمودند که یک هفته طول نمی کشد که من او را خواسته و اصلاح میکنم .

رئیس التجار - آنچه خبر رسیده این است که مرده نفر سوار یک ده می فرستند که باید چند نفر سوار با قدری پول و تفنگ بدهد و الا این در اهراب میکنند .

آقای میرزا آقا مجاهد - آن روز آقای حجة الاسلام فرمودند که انشاء الله این مسئله را اصلاح می کنیم معلوم میشود که فرمایش ایشان فایده نکرده باید از وزیر داخله خواست که او را گرفته مجازات بدهد .

حاجی شیخ حسن - یک ده را سرنویس کرده اند که تازه روز دیگر اگر سوار ندادند اینجا را خراب خواهیم کرد .

رئیس - هیچ معلوم میشود که اطاعت فرمایش جناب آقای آقاسید عبداللهم را هم نکرده اند پس باید اسکیدا بوزارت داخله نوشته شود که او را گرفته و مجازات داده و آنجا امنیت برساند و گمان میکنم که دیگر شق ثالثی نداشته باشد .

آقاسید حسین - از وقت میدان توپخانه باین طرف مکرر در این باب با وزراء گفتگو شد و تمام را جواب داده اند که اقدامات مجدانه شده و بعد هم اقدامات لازمه خواهد شد و هیچ نتیجه نداده پس باید بوزارت داخله نوشت که سه روزه رفع شر این اشخاص را بشاید .

آقای حاجی امام جمعه - ده نفر از نمایندگان انجمن ما آمده و در این باب عریضه هم نوشته بودند و این مردم قبل از وقت راقعه را با اطلاع میدهند پس در این صورت نباید مسامحه بشود همین طوره مذاکره شده باید دو سه روزه جدا از وزراء خواست که اشرار را گرفته و مجازات دهند (در این موقع عریضه انجمنها قریب باین مضمون قرائت شد) اشرار در ورامین مشغول شرارت و هرزگی هستند خصوصاً شیخ محمد و حاجی حسن خان قرچگی و حاجی علی اکبر خان و دور نیست کم کم این شرارت بطهران سرایت نماید چندی قبل هم از انجمن رابط در این باب چیزی عرض شده بود اکنون نیز از طرف تمام انجمن ها عرض میشود که جدا از وزیر داخله خواسته شود که این اشرار را دستگیر و بدجازات برسانند در این موقع شروع بقرائت قانون متوفیات شده پس از مذاکرات زیاد نتیجه حاصل نشده برای مجلس دیگر مانند چون در بدو انقمامجلس قبل از شروع به مذاکرات در باب انتخاب اعضاء کمیسیون مالیه هر یک از و کلا معظم رای خود را نوشته بودند اخذ و رفته شده بود لهذا در آخر مجلس نتیجه آراه اظهار شده اشخاص ذیل با اکثریت آراه انتخاب شدند .

مستوفی الممالک - حاج امام جمعه
مخبر الملک - موتمن الممالک
عبدالاحکما - حاج محمد آقای حریری
سید حسن تقی زاده - میرزا حسن کرمانی
آقای میرزا محمود داسنهانی - میرزا محمد علیخان
کیلانی - وکیل الرعایا - شرف الدوله
مجلس ختم شد

مذاکرات روز یکشنبه شهر صفر المظفر دارالشورای عالی

رئیس - مقصود از احضار کابینه بجهت معلوم کردن مرتکبین حرکت روز جمعه بود که مجلس می خواهد بداند چه اقداماتی شده و تا چه درجه در کشف این واقعه و بدست آوردن مرتکبین اهتمام نموده اند.

وزیر جنگ - البته شرح این مسئله مفصل است ولی بطور اختصار عرض میشود که آنچه تاکنون از تحقیقات و اقدامات نتیجه حاصل شده و بعقبت پیوسته آنست که شتر نفر از اهالی آذربایجان از محال کشی و شیطری میباشند و سابقاً هم آنها از کارکنان راه و مشغول راه سازی بوده اند در راهی که روسها می ساختند آنچه معلوم شده است بدیهی است همین شتر نفر بوده اند و امروز رئیس نظمی اسامی و شکل آن اشخاص را معین کرده است اما هیچ کدام تاکنون دستگیر نشده اند از تحقیقات معلوم صحیحه معلوم شد که اینها در خیابان چراغ گاز خانه داشته اند بعد اظهار کرده اند که اینجا برای ما تنگ است و دو نفر از آنها رفته در تخت بر بریها خانه کرایه کرده بودند که تقریباً نزدیک همان مکانی است که بپ را انداخته بودند و از آن روزیکه این واقعه اتفاق افتاده این اشخاص بآن خانه نماندند و اداره نظمی هم چند روزی مسامحه نمود بلکه آنها مراجعت پنهان کرده دستگیر شوند وقتی هم که آن خانه را تفتیش می نمایند بعضی علامات بدست آمده که یقین حاصل شده مرتکبین همان اشخاص ساکنین آن خانه بوده اند و آن علامات بعضی مواد ناریه و یک کوله بپ و یک ریش سیاه مصنوعی بوده حتی اوزانمات ناماز و جای هم در میان بوده معلوم میدارد که فضا پناه از خانه بیرون رفته اند اما تاکنون هیچ کدام از آن اشخاص گرفتار نشده اند و از طرف اداره نظمی و حکومت هم اقدامات لازمه در دستگیری آنها شده و تکرافات لازمه بولات در این باب شده امیدواریم که انشاءالله بزودی مرتکبین را دستگیر نماییم.

حاجی معین التجار - معلوم است که مجلس یک حق نظارتی در کلیه امورات دارند چنانچه در هر واقعه که اتفاق افتاده تحقیق نموده امامت کرده این مسئله را در مجلس علنی صلاح نمیدانست چه این بود که شاید مذاکرات علنی در مجلس مضر تحقیقات نظمی بشود ولی در کمیسیون ها نهایت جد و جهد واقفان میشد و چنان گمان میرفت که خاطر اعلیحضرت همایونی در این اقدامات مستحضر و خوشوقت است حال چنین معلوم میشود که این اقدامات بحضور همایونی عرض نشده اگر عرض شده بود دیروز آن دستخط صادر نمیشد اگر چه اظهار کمال نهایت و اطمینان نسبت به مجلس فرموده بودند و وظیفه مجلس اینست که جدا این مسئله را از هیئت مجریه بخواهد و شخص اعلیحضرت هم رئیس این هیئت هستند و از طرف هیئت وزراء هم تاکنون اقدامات لازمه بعمل آمده و غفلتی نشده است و اکنون مجلس نیز جدا میخواهد که هیئت وزراء بیش از پیش سعی و جهد بکند.

میرزا مهر تقی قلیخان - آنچه لازمه تاسف بود از این سوء قصد از طرف مجلس و عموم ملت شده است و اینکه تاکنون و کلاً در این خصوص در کمیسیونها بهیئت مجریه تا کهد نمودند برای این

بود که در مجلس علنی شاید بعضی اقدامات که کرده اند نتوانند علناً اظهار نمایند و بعضی را اظهار کنند امام مجلس باقتضای آن حرارتیکه دادند نتواند صرف نظر کند هیئت مجریه و حکومت و اداره نظمی همه روزه باید اقدامات خودشان را بنظر و کلاً برسانند که امروز چه شده و نتیجه چه حاصل کرده اند.

مستشارالدوله - امروز مزاج مملکت در هر واقعه که اتفاق می افتد چه در هر کز وجه در خارج تولید زحمانی می نمایند و نتیجه پروژ میبند که علاوه بر آن صدمه وارده دچار اشکالات فوق العاده میکند پس معلوم است در این واقعه بزرگ که صدمه کلی بمعوم وارد آورده لازم بود اداره نظمی پیش از پیش اقدامات لازمه کرده باشند و اقدامات هم نموده اند اما بهمان ملاحظه که گفته شد در مجلس علنی تاکنون اظهار نشد ولی در کمیسیونها آنچه لازم بود اقدام در این خصوص بعمل آمد و اینکه وزیر جنگ توضیح دادند که هیچ کدام از این شتر نفر دستگیر نشده اند گویا چهار نفر را اداره نظمی دستگیر کرده است بهیچوجه از این بابت توضیحی ندادند.

وزیر جنگ - آن چهار نفر را که دستگیر نموده اند در نظمی هستند تفتیشاتی از حال آنها شده و استنتاجاتی بعمل آمده و روزهای مختلفه هم از هر جا می رسد هر کسی که دستگیر شد استنتاج میشود اگر مطلبی بدست آمد آنها را نگاه میدارند و الا رها نمیشد در اول امر چهار نفری را که در همان روز در لیجان گرفته بودند میخواستند مسافرت نمایند و بعضی عبدالعظیم رفته عازم قم بودند بلاحظاتی دستگیر کردند بعد راپورت آن شتر نفر را آوردند و این چهار نفر را هم آنچه استنتاج کردند چیزی معلوم نشد و اینکه تاکنون آنها را توقیف کرده اند چه شتر این است که اینها در استنتاج خودشان گفته اند امروز جمعه حضرت عبدالعظیم بودیم و در خانه نبودیم ولی از مسامحه های آنها تحقیق شده و گفته اند روز جمعه در خانه بوده اند از جهت این اختلاف آنها را نگذاشته که تا مطلب درست کشف شود و البته باید تمام افراد ملت در این واقعه همدستی نموده همراهی کنند و با توجه اعلیحضرت همایونی و اهتمامات مجلس مقدس و اقدامات و امدادها که مرتکبین دستگیر شده مطلب بطور خوبی واضح روشن گردد و آنها بجایزات رسیده تا این که مملکت منظم و مردم آسوده باشند.

آقاسید حسین - مجلس حقش این بود از آن ساعتیکه این اتفاق افتاده مثل سایر وقایع که رخ میداد اقدامات خود را مینمود بر حسب وظیفه و کانتیکه دارند ولی در این خصوص عدم مذاکره در علنی بواسطه این بود که استنتاجات مغفی بوده و حال آن که تمام آنچهها همه روزه اصرار و تاکید داشته اند که باید استنتاجات در عدلیه علنی باشد و گمان ملت این بود که اشخاص مقصود را دستگیر کردند و محرمانه استنتاج نمودند گویا راپورت ما را حضور اعلیحضرت رسانیدند این است که در آن دستخط تا کیدات فرمودند و جهت این که این استنتاجات علنی نشده است حال آن که معلوم است که در اول مطلب و حاضر بودند که وسیله در پیدا کردن و دستگیر نمودن این اشخاص را ارائه و فراهم نمایند چیست بیان فرمایند و چرا بعضی را شبانه گرفته استنتاجان نموده رها کرده اند.

وزیر جنگ - هیچ همچو کسی که در شب گرفته و رها کرده باشد نیست.

آقاسید حسین - یک نفر مشهدی حاجی نام را در تخت بر بریها گرفته و مرخص کرده اند.

وزیر جنگ - آن شخص معلوم شد تصیری نداشت.

رئیس - آنروز گفته شد که استنتاج باید علنی باشد و حالا هم خوب است علنی باشد.

آقا میرزا آقاسید مجاهد - ما که اینجا نشسته ایم قسم خورده ایم که حفظ حقوق دولت و ملت را بنماییم و این اقل ما حسابات ما را معین میکند پس ما جدا میخواهیم که وزراء اقدامات مجدانه بنمایند بخاطر دارم در فراتر کسی سوء قصد نسبت بنایلیون ظاهر ساخته و نایلیون رئیس پلیس را خواسته مرتکب را مطالبه نمود آن رئیس پلیس تمام اشخاص معقول و صبیح را نشان داده پس از زمانیکه غور و تحقیقات بعمل آمد معلوم شد که از خارج مملکت فرانسه به نیروی داده و آنها را باین فعل قبیح وادار کرده بودند پس در این موقع باید با کمال طمانینه و دقت کابینه وزراء اقدامات و تحقیقات لازمه بعمل آورده مطلب را کشف نمایند و این تاکید برای اینست که مسامحه و تکلف در این باب نشاید.

آقاسید حسین تقی زاده - این مسئله را باید دانست که تحقیق و رسیدگی چنین امر اختیاری نیست که در دست خود آدم باشد و ما بطوریکه گفته شد باید در انکشاف و تحقیق این مطلب باطمانینه از روی دقت باشد ولی چیزی بیکه هست باید اندازد مدت این طمانینه معلوم باشد چنانچه بعضی میگویند که وزراء آنطور که باید اقدام نمایند نکرده اند و بعضی که اطلاع دارند در این مورد اعتراض میکنند در مسئله قتل فریدون بجهت ضعیف بودن طرف لازم بود که نهایت اهتمامات و اقدامات را مجلس بنماید و از وزراء بخواهد تا حق آن بیچاره ضایع نشود و ازین نژود معذرت آن چو جهد دوام طول کشید تا این که مرتکب معلوم شد و خوب هم معلوم و محقق شد که موجب تشکر مجلس و عموم ملت از اقدامات وزراء شد ولی در این مسئله حرف این است که نباید گذاشت این مطلب منسی بشود و از خاطر ما برود و ما من طوری که شخص اعلیحضرت در دست خط مرقوم فرموده و آمده و مجلس این مسئله را یک واقعه بزرگی دانسته و میداند و گمان میکرد که هیئت مجریه شب و روز در تحقیق این واقعه در کارند از این جهت لازم ندانست که تا کیدات و اصرارات علنی بآنها کرده باشد و باید هیئت مجریه در این موقع نهایت اهتمامات و اقدامات خود را در کمالی چند جهد بنمایند و مجلس هم باید کمال اهتمام را داشته و از وزراء جدا بخواهد که بهیچ وجه مسامحه و غفلت نورزند که این مسئله مهم فراموش نشود و البته وزراء هم آنچه لازمه اقدامات است خواهند نمود.

وزیر عدلیه - مقصود این است گویا در خاک پای مبارک اشتباه شده است که هیئت کابینه در این باب قصوری کرده است و این اشتباه رفع نمیشود مگر باینکه مجلس بحکم قرعه اعتماد خود را معین نماید.

رئیس - گمان نمیکنم در حضور همایونی چنین اشتباهی شده باشد مگر در حق حضرت والا

پس وزراء باید در دستگیری مرتکبین و محرکین و اشخاصی که دخیل در این کار بوده اند اقدامات مجدانه سرمایه بنمایند که این التهاب و تاسفی که برای تمام افراد ملت موجود است زودتر رفع نموده و مجلس را از خود خوشنود نمایند.

وکیل التجار - کلیه تا کیدات برای چیزی و مطلبی است که احتمال فراموشی در آن باشد و گمان نمیکنم از این مسئله عموم ملت و وزراء راحت و غفلت داشته باشند حتی میخوام عرض کنم که یقیناً وزراء شب در خواب هم در نقشه دستگیر کردن مرتکبین هستند اما در باب استنتاج بعقیده بنده باید تا زمانیکه مرتکبین دستگیر نشده اند مغفی باشد بعد از آن که مرتکبین دستگیر شدند آتوقت باید علناً استنتاج بشوند.

آقای میرزا محمود - از وقتی که هیئت کابینه وزراء معرفی شده اند ما با امانت و درست کاری همه آنها اطمینان داشته و داریم و هر گاه اطمینان نداشتیم بایستی که ما در این بهارستان شب و روز در این گفتگو بوده باشیم بهیچ کار دیگر مشغول نشویم تا مرتکبین بدست نیایند ولی چون با ایشان نهایت اطمینان داریم باز هم استدعا میکنیم که هر طور لازمه اقدامات است بعمل آورده و موجب آسودگی خاطر مجلس را فراهم کنند.

حاجی معین التجار - این ملت از زمانیکه دارای شرافت این مجلس و مشروطیت شده همه وقت بطور مظلومیت استدمیات خود را بتوسط حجاج اسلام از پیشگاه همایونی خواسته و همیشه بطوری حرکت میکردند که از داخله و خارجه نتوانستند ایرادی بگیرند و بگویند که اینها وحشی هستند اما این وحشی هائی که مرتکب این حرکت شدند تقریباً باعث توهین این ملت شده اند لهذا از هیئت کابینه سؤال می نمایم که از این اقدامات مطمن هستند که بشوایند بسا اطمینان بدهند که بعد چنین دستخطی صادر نشود اگر چه نهایت مرحمت بوده ولی وزراء باید به مجلس اطمینان بدهند.

رئیس الوزراء - ما بآن خط قانونی که داریم در همان خط حرکت میکنیم تا بهر جائی که منتهی شده معلوم شود و امروزه نمی توانیم مثل سابق حرکت کرده هر کس را بر خلاف قانون مورد اتهام و در دست استنتاج بیادریم تا اینکه اعتراض شود بر اینکه این حرکت وحشیانه است.

وزیر عدلیه - مسئله اعتماد را صحبت میکنند لهذا عرض میکنم که باید مجلس بقرعه معلوم نماید که باین هیئت اعتماد دارد یا نه.

رئیس - مسئله اعتماد نیست و اگر اعتماد نداشتند روز اول مجلس نمی پذیرفت مقصود از احضار کابینه این بود که توضیح اقدامات خود را در این مسئله بدهند و از مجلسی در این باب تأکید شده باشد.

وزیر جنگ که تصور کرده اند من هم در این رای شریک هستم.

حاج سید نصر الله - مجلس هیچ اظهار عدم اطمینان نکرده مگر اینکه حضار شدند که اقداماتشان معلوم شود مطلب دیگر اینکه بنده عقیده ندارم که استنتاج مغفی باشد باید استنتاج علنی کرد تا اینکه هر کس مطالب را محققاً بداند.

آقاسید عبداللّه مجتهد - فرض از تشریف فرمائی وزراء این بود که تا کیدات از طرف مجلس در دستگیری مرتکبین بشود چنانچه مضمون دست خط مبارک همین بوده است و گمان اینستکه پیش از این هم در این باب مذاکره نشود.

رئیس - توضیحاً عرض میکنم که احضار وزراء بر حسب دستخط نبوده از چند روز قبل مجلس عزم داشت که هیئت کابینه را خواسته و علناً تا کید بشود صدور دستخط مبارک هم مصادف واقعه شد و مجلس همه وقت در این خصوص متبیط بوده و هست.

وزیر علوم - چون اظهار شد که وزراء اطمینان به مجلس بدهند عرض میکنم از طرف وزراء خصوص وزیر جنگ و نظمی با اندازه اقدام شده است که لازم بوده و اگر فی الحقیقه تأخیر بیفتد ما حاضریم که پلیس بشویم تا اینکه مرتکبین را پیدا کنیم اما در خصوص استنتاج همانطور که علنی بودنش بعضی مفاسد و بعضی فوائد دارد و همینطور مغفی بودنش هم بعضی مفاسد و بعضی محسنات را دارد بعضی عقیده شان بر این است که علنی باشد و بعضی عقیدشان اینستکه مغفی باشد پس خوب است این مسئله با اکثریت آراء معلوم شود ولی عقیده شخصی خود بنده اینستکه تا وقتی که مرتکبین پیدا نشده اند استنتاج مغفی باشد زمانی که دستگیر شدند معلوم است باید علنی باشد.

آقاسید حسین - همین طور که جناب وزیر علوم گفتند ابتدا مغفی بودنش بهتر است.

حاج سید نصر الله - علنی بودن استنتاج راجح است و مغفی بودنش موجب مفاسد است و شاید شخص بی گناهی متهم شده و گرفتار شود در چنین قضیه بزرگی و من از این بالاتر گناهی نمی دانم که یک شخص بی گناهی در چنین واقعه بزرگ متهم بشود.

وزیر جنگ - بنده هم در باب استنتاج شخصاً عقیده ندارم تاکنون چنین معلوم شده که مرتکبین شش نفر بوده اند و شاید بیشتر و منجر به بعضی جنایات بشود که صلاح علناً تحقیقات بشود تحقیقات باید مغفی باشد و پس از دستگیر شدن علنی استنتاج شوند ضرر ندارد.

وزیر علوم - فرق است مابین تفحص و تفتیش و استنتاج این هارا که فعلاً می گیرند از آن ها تفتیش می نمایند تا زمانیکه مرتکب بدست نیاید و زمانیکه مرتکب بدست آمد از او استنتاج میشود و باید علنی باشد.

حاج سید نصر الله - صحیح است تفحص و تفتیش ضرر ندارد مغفی باشد ولی استنتاج مغفی بودنش صحیح نیست و آنچه که گفته اند بالاتر از تفحص و تفتیش شده و گویا این استنتاجات برض همایونی نرسیده این است که می گویند باید علنی باشد.

وزیر جنگ - آنچه که تا امروز از طرف نظمی اقدامات شده ماموری از طرف اعلیحضرت بوده و تماماً با اطلاع و استحضار او شده و برض همیونی رسیده.

آقاسید علینقی - همان طور که جناب وزیر علوم فرمودند صحیح است اقدامات استنتاج باید مغفی باشد و این مسئله هم به اختیار حکومت محلیه است.

آقاسید حسین - بنده عرضی دارم خدمت جناب وزیر داخله از چندین قیل اکثر بلاد من نیست اگر چه تقصیر حضرت عالی نیست و تقصیر وزیر داخله سابق است ولی خلاصه عرضم این است که بعضی جاها طوری غیر منظم شده که حتی مالیات وصول نشده آیا برای امنیت داخله هیئت کابینه و حضرت عالی چه فکری کرده اند و همچنین در باب ورامین جناب وزیر داخله چه اقدامی کرده اند توضیح بدهند.

وزیر داخله - شما توضیح بدهید که آیا این اغتشاش حالی با سابق مساوی است یا حالا کم یا زیاد شده شما جواب بدهید تا من هم جواب بدهم.

آقاسید حسین - بنده قصد مباحثه ندارم بلکه مقصود اظهار درد بود که ببینیم چه علایمی کرده و می نمایند که لاقال این مالیات وصول شود و بصرف خرج این مملکت برسد حضرت عالی اینجا نیستید که ببینید از باب حقوق می آیند و چه اظهارات می نمایند.

رئیس الوزراء - حالا که مقصود ملاحظ است آنچه توه و قدرت داریم گرتاهی نشده و نخواهد شد و در باب ورامین هم با استحضار حضرت حجه الاسلام آقای آقاسید عبداللّه که حضور دارند اقدامات لازمه بعمل آمده است.

وکیل الرعایا - بنده آن عرض بی موقع خودم را تکرار می کنم که بنابود وزراء مسلک خود را تعیین نمایند آیا چه شد.

وزیر علوم - امروز در این مملکت نمی شود وزراء اظهار مسلک خود را بنمایند زیرا که مملکتی که وزراء اظهار مسلک می نمایند تمام ادارات منظم و معنکشان آباد است آتوقت بیان مسلک می نمایند چون لازمه بعضی مطالب مغفی این است ولی در این مملکت چه این وزراء چه وزراء دیگر نمی توانند اظهار مسلک خود را بنمایند زیرا که امروز این قدر امور جلیه هست که فرصت در امور خفیه نیست امروز ما باید در نظم مملکت و ازدیاد ثروت و کثرت روابط دوستی با دول متحابه همچو جاد و جهد نماییم تا بتوانیم کاری کرده باشیم.

سید الحکما - بنده خیلی تاسف می خورم که از وزیر داخله در مسئله ورامین پررور عرض کرده بودم و حالا هم عرض شد جوابی ندادند.

رئیس - چرا جواب دادند که اقدام شد و آقا هم می دانند.

آقاسید حسین - مسئله ورامین همانطور که در حضور حضرت حجه الاسلام گفتگو شد باید آنها را یک طوری ساکت کرد و شیخ محمود را بخواهد بیاید اینک برود آنجا جنگ کنند اگر چه شیخ محمود آدم گذاشته از هر دو یک نفر سوار مسلح و جیره می خواهد و بانه سوار درایل قرچک جمع کرده مشغول شرارت هستند معذرت گمان این

است که اگر حضرت حجة الاسلام اقدام بفرمایند و شیخ محمود را بفرهاند نتواند تمد نماید و همچو معلوم میشود که گویا از طرف ایشان اقدامی نشده

مخبر الملک - در این مجلس ده پانزده ماهست که صحبت از امنیت می شود و از کارهای دیگر بالاخره نتیجه منتهی باین می شود که یول نداریم ولی می خواهم عرض نمایم که این امنیت که ما می خواهیم غالب آن در شهرها است که اگر پلیس بود این اقتشاش واقع نمی شد در این ترتیب پلیس لازم بقرض کردن یول را مالیات زیاد گرفتن نیست بپایه یک روزی به پیشین و ترتیب پلیس هر شهر را بدیم و قرض کردن و نظم قشون برای حدود و تقویر است این شهرها فقط پلیس می خواهد و ما تاحال این کار را نکرده ایم پس خوب است که ترتیب پلیس هر شهر را بدیم و خرج آنرا هم معین نمایند و از اهل همان شهر بگیرند و آنها هم خواهند داد

آقامیرزا آقامجاهد - اینکه می گویند یول لازم داریم وزراء باید مقدار یول و اندازه احتیاج و مصارف آنرا با ترتیب کار معلوم کنند و بیاروند بمجلس تا این که مجلس بدانند و ملت هم از آن مسبوق شوند که ترتیب از چه قرار است آیا در عهده شان هست بدینکه بدهند یا از خارج فکری نمایند

بچه حال است مقصود عرض بنده این بود که شما هیئت وزراء مقدار یول و صورت ترتیب مصرف آنرا با مسلك كار معین کرده بمجلس بدیدم آن وقت مجلس و ملت هم يك تكلیفی دارند و ما می دانیم محتاج یول هستیم ولی با این وضع حالیه هر قدر یول از يك در وارد شود از در دیگر خارج خواهد شد وانگهی ملت هم بعضی گفتگوها با ما دارد که بسمع مبارک رسیده است پس باید شما مقدار و ترتیب کار را معین نموده بمجلس بدیدم و بیش از این مسامحه نشود که صحیح نیست و نخواهد بود

وزیر مالیه - بنده قبل از این که بوزارت برسم نهلا شش ماه بلکه هشت ماه یا یکسال است که در این فکر بوده و حالا هم وزیر مالیه هستم شبانه روز خود را تماما در همین خیال مصروف می دارم

زیرا که از اول می دانستم که عاقبت کار باینجا خواهد کشید و اینهمه گرفتاری ها برای نبودن یول است آنچه را که تاکنون فکر کرده و نوشته اما بمجلس نیاروده ام برای آن است که صورت مالیه امسال را هم مرتب نموده بمجلس بیارم و در ضمن خیالات خود را هم در باب یول اظهار بدارم و حال حاضر است يك روزی معین شود که ارائه شده

مجلس ختم شد

مذاکرات روز سه شنبه
۷ شهر صفر المظفر
دارالشورای ملی

خلاصه مذاکرات روز یکشنبه ۵ را آقامیرزا مرتضی قلیخان قرائت کردند

رئیس - تلگرافی از شیراز رسیده بوزارت داخله مغایره شده قرائت بشود که جواب خواسته اند (تلگراف قریب باین مضمون قرائت شد)

توسط میرزا ابراهیم خان منشی باشی بوزارت جلیله داخله بطوری که تلگراف فرموده بودند معتمد دیوان را دستگیر نمایم و او در عهده خود حصاری بود صاحب منصبان نظامی را فرستادم که او را بیاروند صاحب منصبان رفته بهر طوری بود او را آوردند ولی شرط کردند مادامی که استتفاذات بعمل نیامده او در امن باشد و دیروز در مجلس ختم قوام الملک آقا سید احمد معین الاسلام دشتکی پسرالسلطان شلیک نموده اما بران سالار سلطان گرفته و دوتیر هم باقا شیخ محمدباقر خورده دو نفر را هم زمان قرار زده از فرام معلوم سید را هم مردم کشته اند و بعد جمیت بطرف ارك رو آورده و معتمد دیوان را که قائل می دانند خواستند گویا می خواهند فساد نمایند این تلگراف را بخاکبای مبارک اعلیحضرت اقدس هم ایونی ارواحنا فداء و مجلس مقدس شورای ملی ارائه بدیدم تا تکلیف معلوم بشود

آقامیرزا محمود - یکصداری از عرض بنده را آقا میرزا آقا گفتند اجمالا عرض میکنم که وزرا هر چه را که لازم میدانند باید ببینند کرده و اقدامات خودشان را در انتظام امور سرمای نمایند که مجلس هم موجبات آنرا فراهم نماید

آقای سید جعفر - در باب شیراز با آن واقعه که اتفاق افتاده و خود جناب رئیس الوزرا بهتر بحالت آنجا مسبق هستند چه اقداماتی کرده اند

رئیس الوزرا - بطوری که خود بحال آنجا مسبق بودم و میدانستم تلگرافات لازم بهر که لازم بود مغایره کردم و بعضی دستخطهای تلگرافی هم که لازم بود صادر نموده مغایره شد

میرزا آقامجاهد - مختصر عرض مینمایم که تمام این اقتشاشات بواسطه این است که هیئت کابینه در ارائه مسلك خود مسامحه می نمایند خوب است وقت معین فرمایند که تا آن روز ترتیب امور و اندازه احتیاج یول و مصرف آنرا معین و ببینند مجلس نمایند که بیش از این مسامحه روا نیست

وزیر علوم - گویا مجلس خبر ندارد که الان فرمان فرما در کجا است و چه می خواهد و همچنین سپهبد در کجا است و چه می خواهد و ظهیر الملک در کرمانشاهان در کجا است و چه می خواهد صحیح است پیش از این نباید مسامحه کرد اما خودتان تمام اینها را می دانید که چه ترتیب است و نمیشود بعضی از آنها را پیش از این بیان کرد و ما چه می دانیم که کمی مثلا ۵ کرویر یول فراهم شده بدست خواهد آمد

آقامیرزا آقامجاهد - اول این که فرمودید گویا مجلس خبر ندارد این طور نیست تمام و کلا اینها را می دانند و بخوبی اطلاع دارند که فرمانفرما و سایرین در کجا هستند و امور سرحدات و غیره

ایالت احضار نموده است و حاضر میوم ولی استدعا دارم که فوراً تلگراف بشود که استنطاق مرا غلظت در حضور آقایان علماء و انجمن ایالتی بنمایند

رئیس - در حقیقت جواب تلگراف همین است که آقای حسین قلی خان تواب گفتند

آقامیرزا فضلعلی آقا - جواب معین است که گفته شد ولی يك جوابی هم باید داد که این آشوب و انقلاب را کم از شیراز مرتفع نموده

رئیس - تلگرافاتی که دیروز از پسران قوام الملک آمده بود و چون مجلس نبود و جواب لازم بود که فوری داده شود این بود که جواب داده شد و در آن تلگرافات شیراز اعداد داشت بر تاهین و ساینکه با وجود کشته شدن پدر ما نش او را در میان گذاشته و خودمان در بازار افتاده مردم را ساکت نمودیم و امنیت را حاصل کردیم از طرف مجلس هم جواب اظهار خوشنودی از رفتار و کردار ایشان شده

آقامیرزا فضلعلی آقا - حالا باید يك جوابی در این خصوص داده شود

آقامیرزا مرتضی قلی خان - عقیده بنده این است که در این مورد آنچه که باید از طرف گمان قوام الملک در ساکت مردم وجود بنمایند شده معلوم است مقصود آنها اینست که امنیت باشد ولی نباید طوری باشد که جلوی هیجان مردم گرفته شود عقیده بنده در استنطاق معتمد دیوان بطور علنی اینست که اگر علنی باشد احتمال دارد مردم بالا جماع ریخته او را بکشند و بدست انقلاب فوق العاده خواهد شد خوبست حکم بشود که معتمد دیوان را تحت الحفظ روانه تهران نمایند

حاجی محمد اسمعیل آقا - شایکست مملکت بزرگی را که بدست حاکمی سیرده باید نباید با دستور العمل بدیدم باید امنیت آنجا را از او بخواهیم اگر او نتواند بکمیچو مملکت را امن نماید نمیتواند حکومت کند

میرزا آقامجاهد - بظاہر حاکم که می رود يك قوه فرستاده شود به بینم آیا این استعداد برای شیراز فرستاده شده بانه

رئیس - آن قوه و استعداد که تاکنون که فرستاده نشده

آقامیرزا آقامجاهد - پس این امنیت آرزو است

آقای سید مهدی - بعدا هم ما این شیراز را لازم داریم بیانه حالا اول بهار است و ابتدای حرکت ایلات باید قوه و استعدادی آنجا فرستاد والا بطور میتوان آنجا را امنیت داد

آقای سید حسین - حکم در این موقع مثل سپهسالاری میباشد که لشکر منظمی نداشته باشد آیا میتواند تنها بی بین و بساز حمله آورده جنگ نماید اگر بچگونگی استعداد داده نشود آن هم مثل سپهسالار میشوند میباشد که خود تنهایی در میدان جنگ کند باید استعداد بجهت تامین شیراز فرستاده والا بشلرکاف نمیشود آنجا امن کرد

آقای سید حسن ققی زاده - بنده عرض میکنم گفته شد که نباید بجاکم دستور العمل دادو باید از او امنیت خواست کسی از پیش همچو خیالی نداشت که دستور العمل بجاکم شیراز بدهد او خودش صاحب اختیار امروزه اقتدر استمداد ندارد که بتواند

تلگراف نموده است که يك راهی در پیش یای او بکنند اینجا مجلس شورای ملی است در امورات باید شور کرد در این باب هم اگر بخواهید برای او دستور العملی پیشنهاد بنمایند همانست که آقای مرتضی قلی خان گفتند که تلگراف شود او را تحت الحفظ روانه طهران نمایند آنوقت میتواند حکومت مردم راه این عنوان ساکت نماید حال میخواهد در روزم او را استنطاق بکنند میتواند اما در باب استعداد اولاد آنکه قورخانه و ذخیره کتر جاها مقابل صفر است و هیچ معلوم نیست که چه هست و روزا هم وقت واقعه که در يك جا اتفاق می افتد آنوقت يك استعدادی برای آنجا میخواهند روانه نمایند و آنهم اقلایست روز طول میکشود در بین این مدت آن اقتشاش ساکت میشود دیگر وزرا از فرستادن آن استعداد صرف نظر مینمایند و گمان وزراء این است که باید استعداد را هر وقت لازم شد فرستاده شود و حال آنکه امروزه لازم است برای هر جایك مختصر استعدادی فرستاده شود خصوص بعضی جاها که امنیت دارد و گمان بنده این است که این نفرستان مختصر استعداد بواسطه بی پولی است و نه چیز دیگر فقط بواسطه مسامحه وزراء است

آقای سید علی قی - بنده می خواستم عرض کنم که در قتل قوام الملک یابرس قوام الملک در مردم هیجانی می شود چنانچه خود صاحب اختیار نوشته است که مردم هیجانی دارند پس باید استعداد روانه شود که مانع انقلاب و اغتشاش باشد

آقای سید حسین - مجلس باید از هیئت کابینه آنچه را که در امنیت تمام مملکت نواقص دارند بخواهد و آنها هم زود تر صورت بدینکه موجبات انتظام داخله فراهم آید و تا این استعداد فرستاده نشود مالیات وصول نمیشود

آقای سید حسین - باید وزرا را خواست در این خصوص مذاکره کرد

حاج سید عبدالحمین شههانی - در باب حکومت فارس که تلگراف کرده و تکلیف خواسته است که در خصوص معتمد دیوان چه کند باید تلگراف کرد که او را محافظت نماید زیرا که بیرون آوردن باو علی ای نحوکان تولید اشکال خواهد نمود و در باب امنیت و استعدادی که خواسته است نه این است که وزرا نمی توانند بفرستند از وزیر جنگ که حکومت این شهر را هم دارد سؤال شود که در این شهر چه قدر سرباز و سوار هست همچو قرض میکنیم که بخرج نمیتوانند بروند آیا بقدر اینکه این شهر را هم امن بکنند نیستند اگر وزرا بخواهند اقدام کنند ترتیب غیر از اینها خواهد بود باید بزودی فکری کرد که دفع این اقتشاشات شده و حفظ حوزه اسلام و مملکت را بنمایند

وکیل اتجار - این صحبتها که ما در اینجا میکنیم خوب است ملاحظه الا هم فالاهم را بکنیم و يك مطلب که مطرح می شود تا نتیجه نگیریم رد شویم و خوب است همین امروز با فردا برای ترتیب استعداد ایالات و ولایات قرار گذاشته مذاکره نموده و تا نتیجه نگیریم بکار دیگر نپردازیم

اسدالله میرزا - این مذاکرات که در اینجا میشود برای نتیجه بدعا است که در ولایات مفصله پیدا نشود و مسئله فارس باید مطالعه سریمه بشود صاحب اختیار امروزه اقتدر استمداد ندارد که بتواند

از هیجان عامه جلو گیری نمایند باینکه غالب مردم از ایشان رضایت دارند حالا باید با از طرف مجلس تلگرافی بشود باینکه وکلای شیراز به تلگراف شاه رفته مردم را ساکت کنند حالا بعدا چه باید کرد لابد صاحب اختیار میدانند چه بکنند

آقای سید ابراهیم - آن که معتمد دیوان را نوشته سه روزه قرار شد بانه با هم باید در این خصوص تکلیف معین شود

رئیس - بلی باید رفت تلگرافها و آنها را ساکت نمود

حسین قلی خان تواب - چندی قبل در باب قرارداد روس و انگلیس راجع به بعضی از ممالک آسیای بارلمان انگلیس خیلی ایرادات و تمراضات شده است و روزنامه طبعی در ضمن راپورت مذاکرات بارلمان مینویسد که در هفتم ماه فوری لورد کروون فرمانفرمای سابق هند در ضمن تمراضات و ایراداتی که در باب آن قسمتی که راجع است بایران اظهار داشته که باید دانست عقیده ایران در باب این قرارداد چیست بارلمان مینویسد که در هفتم ماه فوری لورد کروون فرمانفرمای سابق هند در ضمن تمراضات و ایراداتی که در باب آن قسمتی که راجع است بایران اظهار داشته که باید دانست عقیده ایران در باب این قرارداد چیست

لسان الحکماء - چنانچه آقای تواب گفتند که در بارلمان انگلیس این اظهار شده و در روزنامه ها نوشتند روزنامه های خارجه باقتضای یولتیک مطالب غیر حقه خیلی مینویسند و این هم از همان قبیل مطالب است که واقعت ندارد و دیگر اینکه پرست چنانکه لازم بود شده و در روزنامه ها هم نوشتند

آقای سید حسن ققی زاده - این مسئله فوری اهمیت دارد مطلبی که سفارت انگلیس نوشته میشود و او هم بوزارت خارجه خودشان و به مقامات لازم میفرستند چطور میشود که در بارلمان انگلیس باین آشکاری و انگلیس سواد این قرارداد را که مشتمل بر بیست مقدمه و پنج فصل بود بوزارت خارجه فرستاده اند و بعد از آن که کابینه ناصر الملک تشکیل یافت جوابی نوشته شده و سواد آن هم برای سفرای مقیمین طهران فرستاده شد و مضمون آن این بود که این قرارداد چون ما بین دولتین روس و انگلیس منعقد شده است بدیهی است که مفاد آن هم راجع به دولتی مزبور است که این قرارداد را امضاء نموده اند خواهد بود و دولت علیه نظر باستقلال که داراست کلیه حقوق و اختیارات خود را از نفوذ و اثر هر قسم قراردادی که ما بین دو یا چند دولت خارجه در باب ایران منعقد شده یا بشود مصون و محفوظ میدانند و در روابط خود با دول متحابه موافق اصول عهد مقدسه و قاعده درهای باز برای تجارت بین المللی رفتار خواهد کرد در باب استقراض هم قراردادهائیکه دولت ایران در این باب با دولت روس و انگلیس منعقد داشته کاملاً رعایت خواهد شد

وزیر امور خارجه - همین مطلب در ماه رمضان اینجا مطرح شده از من توضیحات خواستند و در همان وقت عرض کردم که سفارت دولت روس و انگلیس سواد این قرارداد را که مشتمل بر بیست مقدمه و پنج فصل بود بوزارت خارجه فرستاده اند و بعد از آن که کابینه ناصر الملک تشکیل یافت جوابی نوشته شده و سواد آن هم برای سفرای مقیمین طهران فرستاده شد و مضمون آن این بود که این قرارداد چون ما بین دولتین روس و انگلیس منعقد شده است بدیهی است که مفاد آن هم راجع به دولتی مزبور است که این قرارداد را امضاء نموده اند خواهد بود و دولت علیه نظر باستقلال که داراست کلیه حقوق و اختیارات خود را از نفوذ و اثر هر قسم قراردادی که ما بین دو یا چند دولت خارجه در باب ایران منعقد شده یا بشود مصون و محفوظ میدانند و در روابط خود با دول متحابه موافق اصول عهد مقدسه و قاعده درهای باز برای تجارت بین المللی رفتار خواهد کرد در باب استقراض هم قراردادهائیکه دولت ایران در این باب با دولت روس و انگلیس منعقد داشته کاملاً رعایت خواهد شد

حسین قلی خان تواب - پس از این قرار معلوم است که در همان وقت دولت ایران پرست و اعتراضات کابینه در باب این قرارداد نموده و این عنوانی که لرد کروون در بارلمان کرده اند نظر بمقتضات مصالح یولتیک خودشان بوده و هیچ مربوط بایران نیست والا بطوریکه عنوان شد پرست شد دیگر اینکه در همان وقتیکه در بارلمان انگلیس این مذاکرات شده لرد کروون اظهار داشته اند که در باب خلیج فارس دولت روس سندی خارج از این قرارداد بدولت انگلیس داده است و ضمناً اهمیت مقام انگلیس را در خلیج فارس در آن سندها اثر کرده اند بعقیده من هیچکس در این مملکت راضی نیست که

آزادانه دول متحابه در باره ایران قرارداد بکنند اگر چه هر مذاکره که با هم بنمایند یا قرارداد بکنند چون بدون رضای ایران است اهمیت ندارد لکن خوب است ملاحظه از احساسات اهل این مملکت بکنند و باین قبیل عنوانات اسباب رنجش خاطر اهل این مملکت را فراهم نیاروند زیرا که ملت ایران با تمام اهل اروپا همه نوع روابط تجارتنی و دوستی را دارند حال وزیر امور خارجه اطلاعی در خصوص سند مذکور دارند یا خیر

وزیر امور خارجه - در سواد قراردادی که بوزارت خارجه ایران فرستاده اند ابتدا ذکر در باب خلیج فارس شده و در این باب اظهار یا اشماری بوزارت خارجه نشده بود که ما مجبور با اعتراض باشیم

حسین قلی خان تواب - کلبه روزنامهجات خارجه خیلی آزادانه در باره ایران می نویسد باینکه اهل ایران مناسبات روابط و دوستی راه و وقت منظور داشته و دارند

لسان الحکماء - چنانچه آقای تواب گفتند که در بارلمان انگلیس این اظهار شده و در روزنامه ها نوشتند روزنامه های خارجه باقتضای یولتیک مطالب غیر حقه خیلی مینویسند و این هم از همان قبیل مطالب است که واقعت ندارد و دیگر اینکه پرست چنانکه لازم بود شده و در روزنامه ها هم نوشتند

آقای سید حسن ققی زاده - این مسئله فوری اهمیت دارد مطلبی که سفارت انگلیس نوشته میشود و او هم بوزارت خارجه خودشان و به مقامات لازم میفرستند چطور میشود که در بارلمان انگلیس باین آشکاری و انگلیس سواد این قرارداد را که مشتمل بر بیست مقدمه و پنج فصل بود بوزارت خارجه فرستاده اند و بعد از آن که کابینه ناصر الملک تشکیل یافت جوابی نوشته شده و سواد آن هم برای سفرای مقیمین طهران فرستاده شد و مضمون آن این بود که این قرارداد چون ما بین دولتین روس و انگلیس منعقد شده است بدیهی است که مفاد آن هم راجع به دولتی مزبور است که این قرارداد را امضاء نموده اند خواهد بود و دولت علیه نظر باستقلال که داراست کلیه حقوق و اختیارات خود را از نفوذ و اثر هر قسم قراردادی که ما بین دو یا چند دولت خارجه در باب ایران منعقد شده یا بشود مصون و محفوظ میدانند و در روابط خود با دول متحابه موافق اصول عهد مقدسه و قاعده درهای باز برای تجارت بین المللی رفتار خواهد کرد در باب استقراض هم قراردادهائیکه دولت ایران در این باب با دولت روس و انگلیس منعقد داشته کاملاً رعایت خواهد شد

وزیر امور خارجه - سواد جواب ما بفرای خودمان در خارجه هم فرستاده شد و این مذاکرات نیز در روزنامه مجلس مخصوصاً نظرم می آید که نوشته شده است

آقامیرزا آقامجاهد - چون این نطق را يك نفر ارد باقتضای یاتیک خودشان کرده چندان محل دقت نظر نیست و بیش از این مذاکره لازم ندارد

امان الله میرزا - بعقیده بنده آنچه باید رسماً در این باب پرست شود همانطور که جناب وزیر امور خارجه فرمودند بعمل آمده حال يك روزنامه نویس بخیال خودش چیزی بنویسد چندان محل اعتبار نیست و نباید در بارلمان مطرح شود

آقا شیخ حسین - از جناب وزیر امور خارجه استعفا می‌شود باقتضای علم و دیانتی که دارند در حفظ حقوق ملت ایران بکوشند و مثلاً در باب مخاصمه یک نفر ایرانی با یک تبعه روس باید در محکمه شرمی یا عرفی ایران با حضور یک نفر مامور سفارت تحقیقات شده و احقاق حق شود و بفرمائید که در خصوص آن سبب مقتول چه اقدامی شده .

وزیر امور خارجه - اقدامات در این باب شده و در سه مجلس هم استعناقات بعمل آمده و صورت آن نوشته شده و هنوز تمام نشده است و هفته سه روز برای هدین کار مجلس میشود پس از این که نتیجه گرفته شد البته احقاق حق می‌شود مقصود این است که در این باب کوتاهی نشده است .

آقا شیخ محمد علی - خیلی منتظر بودیم که بیرون روز که روزی به مجلس تشریف آوردند جناب وزیر امور خارجه هم تشریف بیاورند و اتفاقاً تشریف بیاوردند سابقاً عرض کرده ام و باز هم عرض میکنم که خوب است صورت مامورانی که بادل خارجه دولت ایران دارد و امتیازاتی که داده شده نوشته شده و به مجلس بفرستد تا طبع شده و منتشر شود که ملت حق خود را بداند و شاید بعضی امتیازات بخواهند بگیرند و همچنین صورت قراردادهای فروش سابقه را هم بدهند تا از ترتیب و شرایط آن عموم ملت اطلاع حاصل نمایند .

وزیر امور خارجه - عهدنامه‌ها چاپ شده و همین سه چهار روزه تمام میشود و منتشر خواهد شد ولی صورت امتیازات چون زیاد است گفتام مرتب کنند تا آنها هم بعد چاپ بشود .

اما قروض دولتم است بمیدالوعمده و قریب الوعمده که قروض جاری است اما صورت قروض قریب الوعمده را از کمرب باید مطالبه کرد زیرا که هیچ بوزارت خارجه نیامده .

اما قروض بعید الوعمده صورتش موجود است اگرچه آنها را هم باید از کمرب مطالبه نمود ولی در وزارت خارجه هم موجود است .

آقا شیخ حسین - مقصود بنده این بود که جناب وزیر امور خارجه در مسئله سید همت پیش از سابق بفرمائید که زودتر احقاق حق شود **وزیر امور خارجه** - مطلب باید تمام شود ولی می دانید که استنطاق هم وعده معین ندارد چنانچه گفته شد هفته سه روز مجلس منعقد و مشغول استنطاق است تا کار بیک جایی منجر شده احقاق حق شود .

رئیس - در باب قتل فریبون چه اقدامی شده . **وزیر امور خارجه** - برادر کرم خان را می فرمائید از در سفارت است و در وزارت خارجه استنطاقات باید بعمل بیاید ولی چون کار سید جلو افتاد او را گذاشته ایم تا این کار تمام شود بعد بانکار بیرون آید .

وسیل التجار - سید اظهار می داشت که از من شاهد خواستند من هم زحمت کشیده شاهد ها را حاضر نمودم و طرف حاضر نشد و اینجا می دانید حاضر نمودن شاهد سخت است و همچنین مکرر چند دفعه حاضر شده و طرف حاضر نشده طوری بشود که زودتر حاضر شود .

وزیر امور خارجه - یک روزی بنا بود یک ساعت بعد از ظهر بیاید و صاحب منصبی که از طرف سفارت مامور این کار بود یکی را از جانب خود فرستاده بود و درست نمی توانست حرف بزند رئیس معاکه هم گفت باید خود صاحب منصب بیاید بعد که او آمد دیر شده بود گفتند باشد برای روز دیگر شاید آن روز را می گویند .

آقا سید حسن تقی زاده - بنده تشریف داشتن جناب وزیر امور خارجه را منتظر شده دو سؤال خواهم کرد یکی اساسی است که بعد خواهم گفت و خواهش دارم که مجلس اجازه بدهد اما در باب مسئله اولی اگر چه خواهند گفت باید بدو نوشته می دادید بعد جواب می خواستید بنده دوسه مرتبه نوشته بهیشت رقیسه دادم و آنها فرستادند به وزارت خارجه و منتظر شدم جواب بیاید نیامد و بعد منتظر این بودم که جناب وزیر امور خارجه به مجلس تشریف بیاورند حضوراً سؤال شود در باب تجارت همه می دانید که چقدر اهمیت دارد و این امتیازی که بخارج داده میشود باید بتصویب مجلس باشد که بعد تولید اشکال نشود و مخصوصاً چیزهایی که راجع بیودجه است باید بتصویب مجلس باشد یک روزی در مجلس صحبت شد که هفت هزار تومان بمدرسه آلمانی داده شود و ابداً نتیجه گرفته نشد بلکه اکثر رد کردند حال از قراری که شنیده ام دوازده هزار تومان داده شده است دانشاگاه دروغ است اگرچه من می توانم شدت اعتراض نمایم که در وزارت مالیه حیف و میل شده و در وزارت داخله همین طور اما در وزارت خارجه بواسطه اطمینانی که بوزارت خارجه بوده است و البته تا اکنون هیچ وجه یک معامله صدتومانی که موجب خسارت مملکت است بدون اطلاع مجلس با خارجه ننگذرانده است اگر این طور باشد خدای تعالی بخواست باعث کمی اطمینان ما از وزارت امور خارجه خواهد شد و استعفا میشود که جواب این سؤال اولی مرا بفرمائید تا در پی می را هم اظهار بدارم .

وزیر امور خارجه - پروگرام می فرمائید دو قسم است یکی صورت کارهایی است که فعلاً کابینه می خواهد اقدام نماید و یکی هم کارهاییست که بعداً اقدام خواهد شد و آن اولی خیلی آسان است و بدو کلمه میشود بیان کرد و آن نظم و امنیت داخله است و استقرار امنیت هم نمی شود مگر بیول بطوری که خودتان معترض شدید پس باید عمل عالی را ترتیب داد که قوه نظامی هم مرتب شده امنیت حاصل شود .

آقامیرزا آقا مجاهد - این طوری که فرمودید که استقرار امنیت با پول است آیا نباید آن مبلغ معین بشود که مجلس بدانند باید از داخله فکر کرد یا از خارجه مثلا می گویند برای امنیت این شهر پلیس لازم است نباید بخارج آن را معین کرده پیشنهاد نمایند که مجلس بدانند فقط گفتن اینکه پول نیست نمیشود و آنهم خدا شاهد است که تمام بهانه است و می خواهند باز یک پولی حاضر کرده از میان برود .

وکیل التجار - مقصود ازیر کرام آن نیست که گفته شود امنیت داخله و همراهی با مشروطه و حسن مراد به خارجه ما باید بدانیم که از برای امنیت داخله امر روزی که در هیچ جا نیست چه اقدامی کرده اند و چه اسباب ولوازم تدارک دیدند و اگر کدورتی با یک دولت پیدا شد برای رفع آن کدورت چه تدارکی کردند اینها را باید معین کنند .

وزیر امور خارجه - عرض کردم پروگرام دو تا است یکی پروگرام کلیه هیئت کابینه است و یکی هم برای هر روزی است که باید مسلک خود را معین نماید اینکه شما می گویند مال هر یک از وزرات .

آقا سید حسین - اینکه آقای تقی زاده فرمودند مطلب مهمی بود ما بتام هیئت کابینه اطمینان کامل نداریم آن طوریکه بوزیر امور خارجه مطمئن هستیم باید وقت بشود در کارهایی که میفرمائید **آقا سید حسن تقی زاده** - اینکه عرض کردم بنده اهمیت می دهم و سعادت آیه مملکت است باز تکرار می نمایم که باید ما کمال اطمینان را بوزیر امور خارجه داشته باشیم اگر این طور نباشد من یک نفر نمی توانم دیگر اینجا بشنم و متزلزل خواهم بود و وضع قانون هم با هیئت مقننه است و بفرض برخلاف سایر ممالک باشد ما باید بر وفق اقتضای مملکت خود وضع نمایم یک قانونی که یک وزیر امور خارجه بهیچوجه یک معامله ده تومانی با خارجه ننماید مگر بتصویب مجلس نه مقصود این وزیر امور خارجه است رما کمال اطمینان را بایشان

خوب اما در مسئله ثانی خوب است رأی گرفته شود که شرحی از طرف مجلس رسماً بوزارت امور خارجه نوشته شود که وزارت امور خارجه بعد ما علاوه بر امضای و بر مسئول در امر امرای احراز نماید که تصویب مجلس شده است یا نه .

آقامیرزا آقا مجاهد - این مسئله که آقای تقی زاده فرمودند باید در تحت قانونی وضع شود دیگر در باب پروگرام کابینه در مجلس قبل که درزا حضور داشتند مذاکره شد و می دانید تا هیئت وزرا پروگرام خود را پیش نهاد مجلس نمایند کارهای شرف نکرده و تکلیف معین نخواهد شد در هر کاری می گویند که پول لازم است تا ترتیب کار معلوم نشود و مبلغ احتیاج مایول معین نکرده چگونه کاری شرف حاصل خواهد نمود .

وزیر امور خارجه - پروگرام می فرمائید دو قسم است یکی صورت کارهایی است که فعلاً کابینه می خواهد اقدام نماید و یکی هم کارهاییست که بعداً اقدام خواهد شد و آن اولی خیلی آسان است و بدو کلمه میشود بیان کرد و آن نظم و امنیت داخله است و استقرار امنیت هم نمی شود مگر بیول بطوری که خودتان معترض شدید پس باید عمل عالی را ترتیب داد که قوه نظامی هم مرتب شده امنیت حاصل شود .

آقامیرزا آقا مجاهد - این طوری که فرمودید که استقرار امنیت با پول است آیا نباید آن مبلغ معین بشود که مجلس بدانند باید از داخله فکر کرد یا از خارجه مثلا می گویند برای امنیت این شهر پلیس لازم است نباید بخارج آن را معین کرده پیشنهاد نمایند که مجلس بدانند فقط گفتن اینکه پول نیست نمیشود و آنهم خدا شاهد است که تمام بهانه است و می خواهند باز یک پولی حاضر کرده از میان برود .

وکیل التجار - مقصود ازیر کرام آن نیست که گفته شود امنیت داخله و همراهی با مشروطه و حسن مراد به خارجه ما باید بدانیم که از برای امنیت داخله امر روزی که در هیچ جا نیست چه اقدامی کرده اند و چه اسباب ولوازم تدارک دیدند و اگر کدورتی با یک دولت پیدا شد برای رفع آن کدورت چه تدارکی کردند اینها را باید معین کنند .

وزیر امور خارجه - عرض کردم پروگرام دو تا است یکی پروگرام کلیه هیئت کابینه است و یکی هم برای هر روزی است که باید مسلک خود را معین نماید اینکه شما می گویند مال هر یک از وزرات .

آقا سید حسین - اینکه آقای تقی زاده فرمودند مطلب مهمی بود ما بتام هیئت کابینه اطمینان کامل نداریم آن طوریکه بوزیر امور خارجه مطمئن هستیم باید وقت بشود در کارهایی که میفرمائید **آقا سید حسن تقی زاده** - اینکه عرض کردم بنده اهمیت می دهم و سعادت آیه مملکت است باز تکرار می نمایم که باید ما کمال اطمینان را بوزیر امور خارجه داشته باشیم اگر این طور نباشد من یک نفر نمی توانم دیگر اینجا بشنم و متزلزل خواهم بود و وضع قانون هم با هیئت مقننه است و بفرض برخلاف سایر ممالک باشد ما باید بر وفق اقتضای مملکت خود وضع نمایم یک قانونی که یک وزیر امور خارجه بهیچوجه یک معامله ده تومانی با خارجه ننماید مگر بتصویب مجلس نه مقصود این وزیر امور خارجه است رما کمال اطمینان را بایشان

داریم این مسئله را از برای وزیر امور خارجه دیگر عرض می نمایم که نباید چنین کاری در وزارت امور خارجه بشود حال می خواهم بدانم که مجلس اساساً این مسئله را قبول میکند که لایحه مختصری نوشته پس از تصویب قانونی شود ؟ (اکثر تصدیق کردند)

رئیس التجار - بنده عرض می کنم آن مذاکره ای که آقای نواب با وزیر امور خارجه کردند صحیح بود از آنکه بگذرد تمام مذاکرات دیگر خارج از قانون داخلی است زیرا هر گفتگویی از هر روزی بشود باید قبل از وقت بایشان اطلاع داده شود که مسبق شده توضیحات خود را حاضر کرده بیاید در مجلس جواب بدهد .

حسینقلی خان نواب - بنده تعجب کردم آنروز که جناب وزیر امور خارجه را به مجلس احضار نمودند بایشان کابینه چرا تشریف بیاوردند و باید مسائلی که از وزیر سؤال می شود دوروز قبل از وقت اطلاع داده شود یا توسط مجلس یا خود آن سؤال کنند .

وزیر امور خارجه - آنروز که وزراء می آمدند بنده اطلاع حاصل نکرده و در کمیسیون خارجه بودم کاری هم داشتم بمطالع شدن که وزراء به مجلس آمده اند و بواسطه شغلی که عرض کردم نتوانستم بیایم .

وکیل الرعایا - در باب هفت هزار تومان بهمان اندازه که ما اطمینان بجناب وزیر امور خارجه داریم همان اندازه هم از وزیر علوم سابق که فعلاً وزیر مالیه هستند مطمئن هستیم و مسلم است کاری نخواهند کرد که اسباب زحمت بجهت وزیر امور خارجه فراهم شود و تکیه قوت املیحضرت همایونی اقتضا می نماید که در اینجا هم یک کلاس عالی تشکیل بیاید که بعداً ببرد این مملکت بخورد دیگر چه جای ایراد است .

رئیس التجار - این مسئله که وکیل الرعایا از باب هفت هزار تومان طرح کردند ربط آن ایرادی که آقای تقی زاده گرفتند ندارد و آن ایراد نه از بابت این پول بود بلکه آن یک مطلب مهمی بود که خواستند مطرح مذاکره شده قانونی بشود .

حسینقلی خان نواب - مدرسه روح مملکت است و بهر عنوانی که تاسیس میکنند ما باید اظهار امتنان بنمائیم حالا که املیحضرت همایونی از صرف جیب خودشان اعانتی فرموده اند باید همه متشکر و ممنون باشند .

آقا شیخ محمد علی - آن مطلبی که آقای تقی زاده اظهار نمودند رسمیت پیدا کرد یا خیر ؟ **رئیس** - باید چیزی در این خصوص نوشته شده در مجلس مطرح شود .

اسدالله میرزا - کثرت مستشار مالیه را آوردند به مجلس و خودش هم از قرار معلوم از یازده حرکت کرده اما هنوز وارد نشده .

وزیر امور خارجه - چرا از باطوم هم رد شده اند ؟ (در خصوص استنطاق و معاکه که مدیر روزنامه روح القدس که تعارضاتی نسبت با املیحضرت و هیئت کابینه و وکلای محترم نموده اظهار شد بعضی اظهار داشتند که چون قانون انتظارات تمام شده و بصره رسیده خوب است بسوجهان قانون خود وزارت علوم و معارف رسیده کی

نموده مجازات رامعین دارد گفته شد که باید از طرف وکلا یک نفر سمت و کالت حضور داشته باشد و مدعی شود تا اینکه معاکه بعمل آید بعضی اظهار داشتند که وکیل باید یک نفر شخص خارج از مجلس باشد چند نفر از کلام نظارت داشته باشند بعضی داوطلبانه حاضر شدند که حاضر می شویم و از طرف وکلای کالت می نمایم گفته شد که باید مجلس معین کند و لازم به وکالت هم نیست نظارت کفایت میکند . (مجلس ختم شد)

مذاکرات روز شنبه ۹ شهری صفر
المظفر دارالشورای ملی
خلاصه مذاکرات روز شنبه هفتم آقامیرزا مرتضی قلیخان قرائت کردند .

رئیس - کفندی از شاهزاده سالارالعوالمه رسیده است محض اطلاع قرائت میشود . (بعضی از وکلای مانع خواندن کاغذ مزبور شده شرحی از حرکات ایشان که پارسل در نواحی تویسرکان و ملایر بظهور رسانده و برخلاف امر دولت و ملت بعضی اقدامات نموده بود مذاکره شد برخی اظهار داشتند که خواندن این کاغذ فلاح ضرری ندارد بلکه در آن ضمن اقرار بتقصیرات خود نموده باشد خوب است کاغذ خوانده و مطلب او که معلوم شد جوابی بمقتضای آن داده شود . (قرائت شد قریب باین مضمون)

بمقام منبع شورای ملی شیدالله ارگانه یارسال بواسطه کثرت شهرت از اجای در ایران و تعاقب و سانس هواپرستان قلب بعضی را از زمین زنجاریه من نیز محض تشفی آنها چندی در زندان عشرت آباد بسر برده قسط بجهت استرضای خاطر ملوکانه که بجای بدر تاجدار است دست توسل و توسط پسوی کسی حتی مجلس مقدس دراز نکرده تا جمعی از وجوه ملت و امضاء دولت توسط شفاعت کرده مرا از حبس خلاص کردند در شکر این بدولت و ملت بنمایم که ناگاه عصر روز سه شنبه هفتم قرائت و سر باز ریخته و مجبورم ساختم چون از باطن امر بی خبر بودم این است که عرض می نمایم که اگر بساط مشروطیت برچیده شده و قانونی در مملکت نیست چاره غیر از تحمل ندانم هر گاه مملکت قانونی و مشروطیت برقرار است و موافق قانون مقصر شده ام تصدیق میکنم و در عدلیه استنطاق کرده پس از ثبوت تصدیق مجازاتم بدهند و اگر هم بحکم مجلس شورای ملی شیدالله ارگانه باید بنده بدون استنطاق و ثبوت تصدیق مجبور و مجازات بشوم زهی شرف افتخار که سلو ح عدل مظفری باشم و فدای مشروطیت بشوم .

آقا سید حسین - سالارالدوله بموجب همین هزینه که عرض کرده است مملکت مشروطه مقصر می باشد آیا کدام قانون تجویز کرده بود که آنهمه توب ایشان بزوی دولت و ملت انداخته و یکصد پارچه آبادی را بشکل تپه خاک می کند و چقدر نفوس را تلف نمود آیا در کدام محکمه معاکه شده که تصدیق ثابت نشد این فارتها ایگه او کرد چه شد البته باید حس باشد و مجازات برسد .

آقا میرزا فضل علی آقا در مقصر بودن او شبهه نبوده و نیست توب کشیده و خانه ها خراب کرد و در مجلس هم مذاکرات شد که او باید گرفته شده مجازات

برسد و آنقدر سخت گیری شد که پناهنده بقونسلخواه انگلیس شد و او را خواستند قونسلخواه داد قرار شد در حبس باشد این بود که قانوناً مجبور گردید و در این اواخر فی الجمله رعایت شد و در این خصوص در مجلس مذاکره هم شده اکنون بواسطه حقوق ملت ایشان مجبور هستند و باید باشند

وکیل التجار - بنده از سابقه حرکات او اطلاع ندارم ولی در خصوص پنجاه شصت تیر فوسلی که از طرف او خالی شده است از آن صاحب منصب که با او بود سؤال کردم گفت من پنجاه تیر با من او خالی کردم ولی بطوری که بفضل خدا تیرهای مزبور بکسی بر نخورد و البته بواسطه این حرکات مقصر بود ولی حالا که او را گرفته اند باید اداره نظیه تصدیق او را راپورت بدهم که چیست ؟

آقا شیخ محمد علی - این گونه عرایض باید در کمیسیون عرایض قرائت شده و جواب داده شود . **رئیس** - در این موضوع اگر حرفی دارید بگوئید ایراد لازم نیست .

آقای حاج امام جمعه - این مردم سارا انتخاب نموده و بایشان فرستاده و وکیل کرده اند که در اینجا حفظ حقوق آنها را کرده و سعادت آیه شان را اصلاح بنمایم و او هم یکی از افراد این مردم است اما مقدم بر هر چیز حفظ حقوق و امنیت مملکت را باید نمود اگرچه حق مجلس وضع کردن نمانون است اما تا شما مملکت نداشته باشید نمی توانید کاری بکنید و وضع قانون هیچ فایده نخواهد داشت آنلا باید فکری از برای امنیت ولایات بکنید که در هیچ یکی از نقاط این مملکت امنیت نیست الان در شیراز برادران و خواهران ما بیکدیگر ریخته اند و هیچ معلوم نیست که چه میکنند و چقدر کشته شده چند روز قبل در تلگر افغانه بودیم از وزیر جنک پرسیدم که شما تا چه وقت میتوانید بکنده قشون در نقاط لازمه تهیه کنید و الان در اینجا چقدر حاضر است همین طور نگاه کرده هیچ جوابی نداد یعنی نتوانست جواب بدهد این کاغذ را شخص با اطلاعی از بصره نوشته ملاحظه شود مقصود این است که باید فکری در باب امنیت کرد و اول از این شهر بیاید شروع بشود خواندن قانون وظایف چه فایده دارد که امنیت نباشد و کسی در خانه اش راحت نباشد چه وظایفی چه قانونی .

آقا میرزا محمود - بنده عرض میکنم باز هم بنشینیم و درد مملکت را بگوئیم یا این که در هر هفته یکی دو روز دزرا را بخواهیم و با آنها گفتگو نمایم مثل سابق هیچ نتیجه بدست نخواهد آمد بقیه بنده آن کمیسیون تقشیر را تشکیل داده بیست روزی امتحان نمایند که آنها مواظب اعمال وزراء باشند و آنچه دستور العمل ار هیئت رئیسه میرسد از آن قرار معمول دارند .

آقا شیخ حسین - بنده عقیده خود را میگویم ولو این که تمام و کلاه مخالف با عقیده من باشند آن روز هم گفتم حالا هم میگویم که باید هیئت کابینه را خواست وجداً در این باب گفتگو کرده نتیجه بگیرند امتحان پس است ما حالا یک چندی هم کمیسیون تقشیر قرار بدهیم که آنها هر روز باین وزارتخانه بمانند و وزارتخانه برون و بیش از این هم بنده صلاح نمیدانم در این باب دیگر مذاکره بشود .

آقا شیخ یوسف - افغان تمام و کلاه مسبق